

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

دکتر غلامرضا فدائی

دانشیار دانشگاه تهران، گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی

ghfadaie@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۵/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۲۰

چکیده

کتابداری و اطلاع‌رسانی به فقر مبانی نظری مبتلا است. تنها تعویض نام مشکلی را حل نمی‌کند. در واقع، کتابداری نه به لحاظ نام شایسته این رشته است و نه به لحاظ محتوا مطابقتی با مفهوم آن دارد. اگر چه در دنیای غرب با گسترش موج جدید صنعتی و نیاز روز افزون پژوهشگران به یافتن دانش، کتابخانه‌ها به‌عنوان جایگاهی برای عرضه یافته‌های علمی دارای رونقی دوباره شدند، اما با ظهور فن‌آوری اطلاعاتی و قدرت اشاعه‌ی اطلاعات از طریق استفاده از ابزارهای جدید الکترونیکی و نوری این توجه و رونق دستخوش چالش گردید. تا جایی که ضرورت وجود کتابخانه به شکل سنتی آن مورد تردید قرار گرفت. این بی‌مهری در حالی صورت گرفت که زیربنای فن‌آوری جدید هم بر طبقه‌بندی استوار بود. نویسنده در این مقاله از شش جنبه حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی را بررسی و درباره‌ی آنها پیشنهادی ارائه می‌کند. این شش جنبه عبارتند از: اول خاستگاه مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوم جایگاه آن در درخت دانش، سوم تعریف جامع و مانع از این رشته، چهارم دامنه‌ی حضور و نفوذ این رشته، پنجم پیشنهاد نامی برای آن و سرانجام پیشنهاد نام‌هایی برای مشاغلی که این حوزه ملزم به تربیت افراد برای آن مشاغل است. روش پژوهش در این مطالعه استقراء، مطالعه‌ی تطبیقی و تا اندازه‌ای تحلیل محتوا است.

کلیدواژه‌ها: کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانش‌شناسی، طبقه‌بندی، فلسفه، فلسفه‌ی علم، هویت‌شناسی، ابهام در تعریف، بازیابی اطلاعات و دانش، فراعلم



آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

نیز ما پیوسته علم یا علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی را در کنار هم و با او عطف به کار می‌بریم؛ که در واقع یادآور اشارات کپلن است. کتابداری چیزی جز اطلاع‌رسانی نیست و عطف این دو به یکدیگر منطقی ندارد. از سوی دیگر، چون حوزه‌ی ما در حال تحول و دگردیسی از مرحله‌ای به مرحله‌ی دیگر است، شاید جمع این دو اصطلاح برای حفظ پیوند میان سنت پیشین و نو یافته‌های اخیر برای مدتی بی‌مناسبت نباشد. اما هرگاه این پیوند از نظر مفهومی استوار شد و بیم جدا و متفاوت انگاشتن سنت کهن از میان برخاست، دیگر به کار بردن مستمر آن دو اصطلاح به صورت معطوف در عناوین و اشارات موجه نخواهد بود.

او با آنکه کتابداری و اطلاع‌رسانی را از یک جنس و خمیره می‌داند در عین حال مشخص نمی‌کند که پس از از بین رفتن بیم مورد نظر چه عنوانی را باید برای این رشته به کار برد؟ کتابداری و یا اطلاع‌رسانی؟

آنچه قابل توجه است، این است که نام با تعریف ارتباط تنگاتنگی دارد. بدون تعریف دقیق و شفاف نمی‌توان نامی مناسب انتخاب کرد و نام مناسب هم باید از خصلت‌های ذاتی مسمما خبر دهد. در کتابداری به نظر می‌رسد هم مشکل تعریف وجود دارد و هم مشکل نام‌گذاری. این مسئله اگر چه در کشورها و ملیت‌های مختلف اندکی با هم فرق می‌کند ولی در مجموع مشکلی است که در همه‌ی کشورها دامن این حوزه را گرفته است. برای بحث در این مورد لازم است تا مقداری درباره‌ی تعریف (حد) و اسم و مسمما بحث شود.

تعریف (حد) و نام‌گذاری

دشواری تعریف و حد در نظر منطق‌دانان و فلاسفه دارای ابعاد گوناگونی است. عده‌ای آن را به تعریف حقیقی و مفهومی تقسیم می‌کنند. تعریف حد را به معنای حقیقی دشوار ولی به معنای مفهومی آن آسان دانسته‌اند. از افراد فراوانی که در این مورد کار کرده و نظر داده‌اند می‌توان از ابن سینا، ابوالبرکات بغدادی و شیخ اشراق نام برد که نظرات آنان به طور مختصر در این جا آورده می‌شود.

عسکری سلیمانی (۱۳۸۳) می‌گوید: در واقع اسم برای مسمائی است که از آن شناخت داریم. میزان شناخت ما از مسمما تشکیل دهنده‌ی حد مسمما است. هر مسمائی دارای صفاتی است که آن را از دیگر مسمیات جدا می‌کند. هر موجودی دارای صفات ذاتی و نیز عرضی است. صفات ذاتی آن است که بدون آن پدیده موجودیت خود را از دست می‌دهد. اما صفات عرضی

اگر چه گاه لازم است، ولی بدون آن هم می توان از پدیده یاد کرد. صفات ذاتی در برابر صفات عرضی است. همان طور که در تعریف از ذاتیات می توان استفاده کرد از عرضیات هم می توان استفاده کرد. مثل تعریف انسان به حیوان ناطق یا انسان به حیوان ضاحک، عرض یا لازم است یا مفارق و عرض لازم یا بین است و یا غیر بین؛ بین آن است که شیئی به صورت بدیهی و بی نیاز از استدلال معلوم باشد. در منطق گفته اند تعریف باید از عرض لازم بین تالیف شود. زیرا در غیر این صورت معرف را از ابهام بیرون نمی آورد.

ضابطه‌ی اسم و مسما نزد سهروردی و بغدادی

شیخ اشراق، سهروردی، در حکمه الاشراق (۱۳۷۷) می گوید:

باید تعریف به اموری روشن تر و شناخته تر از معرف باشد و روا نیست که معرف با معرف برابر باشد و نه پنهان و مخفی تر و نیز روا نباشد که معرف از چیزهایی بود که خود شناخته نشود مگر به آنکه معرف بدان شناخته شود (ص ۲۷).

او در نقد نظریه‌ی تعریف مشائی ضابطه‌ای برای اسم و مسما ارائه می دهد و می گوید (عسکری امیری، ۱۳۸۳):

در محسوسات هر گاه کسی برای جسم مثلاً چیزی را اثبات کند و بعضی در آن تشکیک کنند و بعضی انکار نمایند آن چیز در نزد عموم مردم از اجزای مفهومی مسما به حساب نمی آید، بلکه اسم جز برای مجموع لوازم تصور مسما وضع شده است. طبق این نظریه، می توان گفت: آب یعنی جسم روان بی رنگ و بو، بارد و بالطبع رافع تشنگی و... خصوصیات که در هر آبی ظاهر است و آب برای این خصوصیات وضع شده است.

صعوبت حد حقیقی و سهولت حد مفهومی

از نظر بغدادی - حد در منطق تفسیر لغات و تعریف معانی الفاظ است. در حالی که شیخ اشراق به دو نوع حد قائل است. حد مفهومی و حد حقیقی^۱. او وصول به حد حقیقی را دشوار

۱. مظفری (۱۳۶۱) گوید: تعریف به معنای شناساندن و در اصطلاح منطقی بر دو قسم است: حقیقی و لفظی. و هر یک بر دو قسم اند: تام و ناقص. تعریف لفظی که به آن شرح الاسم هم می گویند عبارت از بیان کردن لفظی که معنای آن نزد مخاطب مجهول است با لفظ دیگری که در نزد او معلوم است (ص ۳۶-۳۷). هم چنین وی (۱۳۶۱) ←

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

بلکه ممتنع می‌داند - اختلاف در این زمینه بین منطق‌دانان و فلاسفه بسیار است (فخر رازی، ۱۳۸۱؛ عسکری امیری، ۱۳۸۳). پس از شیخ‌الرئیس، بغدادی استدلال او را رد می‌کند و نظر شیخ را به نقد می‌کشد و سهولت حد را تجویز می‌کند. شیخ اشراق هم سهولت حد مفهومی را بر حد حقیقی ترجیح می‌دهد.

در نزد غزالی هم اول باید به تقرر معانی راه یافت، سپس الفاظ را تابع معانی نمود (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۵). او هم به صعوبت رسیدن به حد حقیقی معترف است.

در هر حال دو نظریه می‌پذیرند که نام‌گذارنده اسم را بر مسمما به مقدار آگاهی‌های در نظر گرفته شده از مسمما قرار می‌دهد (عسکری امیری، ۱۳۸۳). با این تفاوت که در نظر شیخ اشراق اسم بر مسمما به میزان آگاهی که از مسمما ظاهر است قرار داده می‌شود. از این رو اختلاف در اجزای یک شیء دلیل بر آن است که مورد اختلاف جزو مفهوم آن شیء به حساب نمی‌آید. اما بغدادی می‌گوید میزان آگاهی ممکن است برای مسمما ظاهر و روشن باشد یا از راه کشف علمی معلوم شده باشد. از این رو بغدادی نتیجه می‌گیرد حدود به سبب اختلاف در آگاهی‌ها متفاوت می‌شوند. معانی بسیط برای وجودهای بسیط و معانی مرکب برای وجودهای مرکب. می‌توان فرض کرد نام‌گذاری کاملاً قراردادی است، به گونه‌ای که اسم به ازای ویژگی‌های در نظر گرفته شده ذکر می‌شوند.

بغدادی در خصوص اسم‌هایی که بیان وصف و حالتی هستند یعنی مشتق‌ها و مبداً اشتقاق‌شان و نیز اسم‌هایی که معنای مشتق می‌دهند می‌گوید: همان‌گونه که نام‌گذارنده آنچه را که می‌شناسد و از آن جهت که می‌شناسد نام می‌گذارد، حدآورنده نیز حد چیزی را که نام‌گذاری کرده و از آن جهتی که نام‌گذاری کرده است می‌آورد (عسکری امیری، ۱۳۸۳).

→ گوید: معرف بر دو قسم است: حد و رسم و هر یک نیز بر دو قسم است: تام و ناقص. اگر در تعریف فصل قریب اخذ شود آن را حد گویند و اگر خاصه اخذ شود آن را رسم گویند. اگر با فصل قریب جنس قریب هم اخذ شود آن را حد تام گویند مثل اینکه در تعریف انسان گفته شود حیوان ناطق. اگر با فصل قریب جنس بعید ذکر شود و یا فقط به فصل اکتفا شود آن را حد ناقص گویند مثل اینکه در تعریف انسان گفته شود جسم نامی ناطق و یا فقط ناطق. اگر با خاصه جنس قریب اخذ شود آن را رسم تام گویند مثلاً در تعریف انسان گفته شود حیوان ضاحک. و اگر با خاصه جنس بعید اخذ شود و یا فقط به خاصه اکتفا شود به آن رسم ناقص گویند مثل اینکه در تعریف انسان گفته شود جسم نامی ضاحک و یا فقط ضاحک. گاه تعریف به مثال باشد مثل اینکه گفته شود علم مثل نور است (ص ۱۴۷-۱۴۹).

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، این است که حد و اسم باهم ارتباط ناگسستنی دارند. ممکن است ما مواردی داشته باشیم که اسم هیچ گونه رابطه‌ای با مسما نداشته باشد، اما این موارد همواره کاربران را دچار گرفتاری می‌کند. علاوه بر اسم در القاب و کنیه‌ها هم این مسئله رعایت می‌شود. در مورد آدم‌ها، کنیه‌ها گاه به‌خاطر احترام و گاه به‌خاطر تحقیراند و این ربطی به ماهیت وجودی و عملکردی افراد که بخشی از تعریف واقعی آنان را تشکیل می‌دهد ندارد. عسکری امیری (۱۳۸۳) در مقاله‌ی خود نتیجه‌گیری می‌کند:

که نام‌گذاری اسم‌های عام بدون تصور مسما، هر چند به واسطه‌ی لوازم و آثار آنها، ممکن نیست. نام‌گذاری اسم بر مسما اگرچه منطقاً ممکن است به میزان معانی در نظر گرفته شده از مسما باشد و تعریف مسما نیز بر اساس آن تنظیم شود، اما مردم عملاً همه‌ی اسامی عام را بر این اساس بر مسما وضع نمی‌کنند. و نیز اطلاق و به‌کارگیری اسم بر مسما اگرچه ممکن است بر اساس نام‌گذاری و به‌میزانی که در نام‌گذاری در نظر گرفته باشند، ولی در خارج چنین نیست (ص ۱۱۰-۱۰۹).

در واقع، برای بحث درباره‌ی هر موضوعی شناخت و تعریفی از آن لازم است. حتی کسانی که تعریف ارسطویی را در زمان حال جوابگو نمی‌دانند هم بر ضرورت وجود تعریف برای مطالعه‌ی هر موضوعی اذعان دارند (یثربی، ۱۳۸۶). فرومان^۱ (۲۰۰۹) به سه ضرورت برای توجه به تعریف اشاره می‌کند. یکی ضرورت ابزاری برای استفاده‌ی کاری، دوم توجه به ویژگی‌های ذاتی شیئی برای تعریف براساس آنچه جان استوارت میل گفته است و سوم توجه به جنبه‌ی پراگماتیک و زبانی هر پدیده با توجه به آموزه‌های ویتگنشتاین. او به‌هر حال توجه دارد که در صورت نبودن "تعریف" ارتباطات انسانی به اغتشاش و درهم‌برهمی می‌گشود. اکنون در حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی سؤال این است که آیا تعریف کتابداری بر فرض وجود و اتفاق نظر بر آن از ذاتیات سخن می‌گوید و یا بر عرضیات و آن هم بر عرضیات بین و لازم دلالت دارد تا بر اساس آن بتوان نام درستی که بیانگر ویژگی‌های مسما است داشته باشد؟

در واقع، نام کتابداری و اطلاع‌رسانی هیچ یک بیانگر ذاتیات و یا به احتمال قوی

1. Bernd Frohmann

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

عرضیات^۱ این رشته نیستند. زیرا کتابداری اگر بر سیاق خانه‌داری و یا دهداری و یا شهرداری در نظر گرفته شود همانند همتایان خود نمی‌تواند بیان مقصود کند. خانه‌دار خانه با همهی خصوصیاتش در اختیار اوست و همین‌طور دهدار و شهردار در واقع، ده و شهر را در اختیار دارند. اما کتابدار فقط کتاب در اختیار او نیست، زیرا هر آدم باسوادى ممکن است کتاب در نزد او باشد و اگر مجموعه‌ی کتاب را هم در نظر بگیریم مخزن (انبار) دار کتاب و یا کتاب‌فروش هم کتاب در اختیار اوست و لفظ کتابدار نمی‌تواند در بین این مفاهیم مشترک مقصود اصلی که کتابداری مدعی آن است را برساند. اگر کتابداری را کتابدار به‌علاوه یای نسبت بگیریم باز همین مشکل وجود دارد، زیرا هنوز بر سر اینکه کتابدار چه کسی و یا چه وظیفه‌ای دارد تفاهم نشده است. در اطلاع‌رسانی هم مشکل وجود دارد و رساندن اطلاع با هر مفهومی که از اطلاع در نظر داشته باشیم نمی‌تواند بیانگر وظیفه‌ی اختصاصی این رشته باشد. مدعیان دیگری از جمله متخصصان مخابرات و ارتباطات و رایانه‌وران ممکن است مدعیان پر و پا قرص این مسئله باشند.

اگر گفته شود واضعان این نام بر حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی بدون در نظر گرفتن تناسب نام با تعریف به چنین امری اقدام کرده‌اند و هر کس می‌خواهد با این مسئله آشنا شود لازم است تعریف قراردادی پیشگامان این حوزه را بنگرد و بخواند و ربط آن را خود دریابد، تازه اول مسئله است و مشکل هم‌چنان بر جای خود باقی است.

بنابراین یا باید قائل به ربط نشد و صرف وجود لفظ کتاب در کتابداری، آن را بیانگر اهداف و وظایف این حوزه دانست و یا باید به فکر چاره بود و در این راه همت گماشت و از اقبال و یا ادبار هم نهراسید. در بسیاری از اوقات ممکن است در آغاز نامی ناآشنا و نامناسب جلوه کند ولی به مرور زمان و در نسل‌های بعد مورد توجه قرار گیرد.

با این مقدمه نگارنده بر آن است تا به‌طور مبنایی مسئله را بازکاوی کند و نه فقط نام بلکه محتوا و رسالت این حوزه را مورد بازبینی قرار دهد و پیشنهادهای خود را عرضه دارد.

هدف

هدف نگارنده در این مقاله این است که از شش جنبه حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی را

۱. بخشی از کار اطلاع‌رسانی یا مدیریت دانش اگر به کتاب و کتابخانه هم برگردد ظاهراً عرض قریب هم نیست.

بررسی و درباره‌ی آنها پیشنهادی ارائه کند. این شش جنبه عبارتند از: اول خاستگاه مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوم جایگاه آن در درخت دانش، سوم تعریف جامع و مانع از این رشته، چهارم دامنه‌ی حضور و نفوذ این رشته، پنجم پیشنهاد نامی برای آن و سرانجام پیشنهاد نام برای مشاغلی که این رشته عهده‌دار تربیت نیرو برای آن است. روش پژوهش در این مطالعه استقراء، مطالعه‌ی تطبیقی و تا اندازه‌ای تحلیل محتوا است.

۱. خاستگاه

در قسمت اول نگارنده معتقد است که مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی مولود کتابخانه نیست، بلکه بوجود آورنده‌ی آن است (فدائی، ۱۳۸۶). او این مطلب را به تفصیل در مقاله‌ی کتابداری در جست‌وجوی هویتی نو بیان کرده است. توضیح اینکه در اکثر منابع آمده است که علم و یا فن کتابداری مولود کتابخانه است (سینق^۱، ۱۳۷۳).^۲ به این معنی که پس از ظهور و حضور کتابخانه، کتابداری بوجود آمده است و همین‌طور اطلاع‌رسانی را مولود تحول صنعتی و الکترونیکی عصر حاضر می‌دانند. درحالی‌که اگر بدقت بنگریم این مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی بوده است که موجب پدید آمدن کتابخانه شده و همین‌طور نیاز انسان به اطلاعات بوده است که باعث تحول شگرف در امر اطلاع‌رسانی گشته است. به تعبیر دیگر، انسان از آغاز زندگی خود می‌آموزد و به محض آموختن و کسب اطلاع، آن را در حافظه بایگانی می‌کند تا آن را بازبایی و از آن در جهت مصارف زندگی خویش استفاده نماید. علت اصلی اشکال به‌زعم نگارنده این است که در جهان ضرورت نیاز به دانش کتابداری را از ضرورت وجود کتابخانه وام گرفته‌اند. درحالی‌که کتابخانه خود حاصل و معلول نیازمندی انسان به بازبایی از طریق طبقه‌بندی دانش‌ها برای پیشرفت در امور است (فدائی، ۱۳۸۶). یعنی به‌جای اینکه نیاز انسان اعم از عادی و یا دانشمند به بازبایی و برای رسیدن به آن استفاده از طبقه‌بندی دانش مبنای پیدایش علم کتابداری و اطلاع‌رسانی باشد، ایجاد کتابخانه که خود معلول این نیاز است موجب پیدایش این علم تلقی شده است. به‌ناچار، گاه هم نام‌گذاری غلط از آب درآمده است و هم

1. Mohinder Singh

۲. در سرفصل‌های درس مبانی کتابداری مصوب شورای برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی اگر بنگرید کم‌تر اثری از مباحث بنیانی راجع به این حوزه می‌یابید. در آنجا عمدتاً به تاریخچه می‌پردازند که در درس‌های دیگر از جمله مقدمات کتابداری تدریس می‌شود.

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

عده‌ای در بیان هدف به بی‌راهه رفته‌اند و کتابداری را حرفه خوانده‌اند (راینسون^۱، ۲۰۰۹) و کارکرد آن را صرفاً خدمت به اجتماع دانسته‌اند که هدفی جز تأمین رضایت مراجعه‌کنندگان ندارد. در این هم ثابت قدم نمانده‌اند و به جای آنکه آن را در حوزه و زمره‌ی علوم اجتماعی بدانند گاه، آن را به علوم تربیتی، هنر، تاریخ، ادبیات و مانند آن متصل نموده‌اند.

گرفتاری‌های مفهومی موجود در کتابداری و اطلاع‌رسانی مربوط به زمان حال نیست. از آنجایی که گرفتاری آن ذاتی است سابقه موضوعات فوق در جهان و ایران طولانی است. بسیاری از متفکران داخلی و خارجی در این باره اظهار نظر کرده‌اند. متفکران این حوزه از طریق جست‌وجو در مفهوم اطلاع و اهمیت آن تلاش دارند تا تعریفی جدید برای این حوزه بیابند. مثلاً پیرس باتلر^۲، جس شرا^۳، مارگارت ایگان^۴، جان باد^۵، برند فرومان، مایکل باکلند^۶، رافائل کاپورو^۷ و لوچیانو فلورییدی^۸ در خارج از ایران در این باره مطالبی دارند (رهادوست، ۱۳۸۶؛ بهمن آبادی، ۱۳۸۱؛ خندان، ۱۳۸۶). در ایران جلال مساوات در این باره اظهار نظر کرده است. ابرامی هم تعبیر دانش‌شناسی را برای این حوزه پیشنهاد کرده است. تأسیس نشریه‌های جدیدی به نام اطلاع‌شناسی و یا دانش‌شناسی در کشور تلاشی در این باره است. نگارنده در مقاله‌ی قبلی خود که در سال گذشته در کنفرانس بین‌المللی "اطلاع‌رسانی و تکنولوژی اطلاعات" در وارنا، بلغارستان ارائه و در مجله‌ای به همین نام چاپ شد، نام دانش‌شناسی و اطلاع‌رسانی را برای این رشته پیشنهاد کرده بود. ولی در مقاله‌ای که در سال ۲۰۰۹ به کنفرانسی که در امریکا برگزار شد ارائه نمود و در شماره‌ی ۶ آن مجله^۹ چاپ شد آن را به علم (وفن) بازیابی اطلاعات تغییر و پیشنهاد داده است. اما نظر فعلی او قدری تغییر کرده و آن را به رشته‌ی علوم بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش (عباد) تغییر داده است.^{۱۰} در این تعریف کارکرد اصلی این حوزه بازیابی و اشاعه‌ی اطلاع و دانش معرفی شده است.

لازم به ذکر است که فرد شاپیرو (۱۳۷۸) در مقاله‌ای با عنوان «ابداع و تکامل اصطلاح علم اطلاع‌رسانی» مراحل تطور علم اطلاع‌رسانی را ذکر کرده است. راینسون (۲۰۰۹) از نام‌های

1. Lyn Robinson

2. Pierce Butler

3. Jesse Shera

4. Margaret Elizabeth Egan

5. John Budd

6. Michael Buckland

7. Rafael Capurro

8. Luciano Floridi

9. Issues in Information Science and Information Technology

۱۰. معادل انگلیسی آن می‌شود:

Sciences of Retrieval and Dissemination of Information / Knowledge (SRDI/K)

گوناگون برای این رشته مانند فراعلم^۱، میان علم^۲، علم پست مدرن، علم برتر^۳، علم بلاغی^۴، علم تحریر^۵ (نماد)، هنر آزاد^۶، و علم دانش^۷ و یا شاید دانش‌شناسی و مانند آن که هر یک توسط متفکری پیشنهاد شده است نام برده است.

اولین مفهوم کتابخانه به حافظه‌ی انسان و اولین مفهوم کتابداری به فرایند بیداد و بخاطر آوردن اندوخته‌های ذهنی برای استفاده از آن برمی‌گردد. اگرچه توجه به بازیابی در تعاریف فراوان آمده و یا مفهوم ذخیره و بازیابی با هم زیاد مطرح بوده است ولی با چنین تفصیلی شاید برای اولین بار مطرح می‌شود. بنابراین مبنای این تفکر به اصل معرفت و چگونگی شکل‌گیری و ضرورت ذخیره‌ی آن به منظور بازیابی و اشاعه برمی‌گردد و اینکه در این حالت این مفهوم در وهله‌ی اول ربطی به کتابخانه به معنای فیزیکی آن و یا تکنولوژی اطلاعات ندارد. در این تعریف کتابخانه به عنوان بزرگ‌ترین نماد این ضرورت و فن‌آوری ابزاری، برای هرچه بهتر انجام دادن این وظیفه مطرح می‌شود. با این دیدگاه جایگاه کتابداری و اطلاع‌رسانی کاملاً عوض می‌شود و در درخت علم جایگاه آن در فراعلم^۸ و در کنار معرفت‌شناسی قرار می‌گیرد. به این معنی به محض اینکه انسان اطلاعی را کسب کرد در حفظ و بایگانی آن می‌کوشد و به نوعی آن را طبقه‌بندی می‌کند تا به هنگام ضرورت و لزوم آن را بازیابی کند و از آن استفاده نماید. در واقع اولین کتابخانه حافظه آدمی است. بر این نکته زینس (۲۰۰۷) هم اشاره دارد.

در شماره‌ی ۷۲ مجله‌ی فصلنامه‌ی کتاب که توسط کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران منتشر می‌شود، مقاله‌ای به نام "کتابداری و اطلاع‌رسانی در جست‌وجوی هویتی نو" و نیز سه مقاله‌ی انگلیسی که یکی از آنها در کنفرانس "علوم اطلاعات و علوم فن‌آوری" در ماه ژوئن ۲۰۰۹ در آمریکا برگزار شده است، نگارنده به طور مبسوط پیشنهادهای خود را ارائه کرده است.

۲. جایگاه کتابداری و اطلاع‌رسانی در درخت علم

با توجه به این نظریه جایگاه حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی از وابستگی به بعضی

1. meta science

2. inter science

3. superior science

4. rhetorical science

5. nomad science

6. liberal art

7. knowledge science

۸. فراعلم در این جا هم به معنای علمی است که ورای همه‌ی علوم است و یا جنبه‌ی مقدماتی و ابزاری برای همه‌ی علوم دیگر دارد.

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

رشته‌ها آزاد می‌شود و همان‌طور که زینس هم در پژوهش‌های خویش به آن رسیده است در برترین جایگاه یعنی فراعلم قرار می‌گیرد. زیرا بر اساس این پیش‌فرض بازیابی اطلاعات و دانش دقیقاً در کنار معرفت‌شناسی^۱ و علم قرار دارد. انسان به‌محض فراگیری به‌فکر اندوخته کردن برای بازیابی و استفاده‌ی بهینه از آن می‌افتد^۲. زینس (۲۰۰۷) هم جایگاه علم اطلاع‌رسانی و نیز کتابداری را در درخت دانش در کنار معرفت‌شناسی و همتایان آن قرار داده است. شاید او هم معتقد است که اطلاع و دانش به قصد بازیابی آن اخذ و ذخیره می‌شود. در این صورت ما به‌محض معرفت نسبت به چیزی آن را ذخیره می‌کنیم تا بعداً بازیابی‌اش نماییم.

در این نظریه نگارنده مدعی است که در وضعیت فعلی مبنای تعریف این رشته از شروع کار کتابخانه است و به نظر وی از نقطه‌ی نامطلوبی آغاز شده است. به این معنی که کتابداری نوین از مغرب زمین آغاز شده و تعریف آن بر اثر فزونی گرفتن حجم کتاب و اسناد در کتابخانه‌ها که بعداً به انفجار اطلاعات تعبیر شد نشأت گرفته است. به دیگر سخن، کتابداری و اطلاع‌رسانی جدید مخلوق کتابخانه است. در حالی که نظریه پیشنهادی جدید تفکر کتابداری و اطلاع‌رسانی را ناشی از نیاز فطری انسان به بازیابی اطلاعات برای توسعه و پیشرفت در همه‌ی ابعاد زندگی می‌داند. در نتیجه کتابخانه نه تنها موجد رشته‌ی کتابداری نیست، بلکه مخلوق این نوع تفکر است و در واقع کتابخانه حاصل نیاز انسان به بازیابی اطلاعات است و به‌عنوان بزرگ‌ترین نماد این تفکر اصیل و فطری انسان تلقی می‌گردد. بنابراین وقتی روابط بین مفاهیم و موضوعات با تلاش پیگیر شفاف و پیراسته شود، کار اطلاع‌رسانی به مقدار وسیعی صورت گرفته است. مشکل بازیابی در جهان امروز همین مسئله است. و نیز همان‌طور که از نظر فلسفی هر علمی باید دارای مبانی، موضوع، مسائل و اهداف خاص باشد، با این پیشنهاد موضوع این علم یعنی بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش و مسائل آن عمده‌تاً بررسی روابط بین حوزه‌های مختلف دانش، خواه به‌صورت طولی و خواه به‌صورت عرضی از جمله طبقه‌بندی علوم است. مبانی معمولاً شامل گزاره‌هایی است توصیفی که بر پایه‌های هستی‌شناختی و یا معرفت‌شناختی و یا انسان‌شناختی استوار است. در این جا هم بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش به معرفت‌شناسی

۱. اصولاً معرفت تا به‌منظور بازیابی طبقه‌بندی نشود قابل تحلیل و اصلاً جزو معرفت قابل انتقال نیست.

۲. نگارنده در طرح طبقه‌بندی دودویی خود (طرح در دست اجرا) به تفصیل در این باره بحث کرده و جایگاه این حوزه را در کنار معرفت‌شناسی قرار داده است.

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

رشته‌ها آزاد می‌شود و همان‌طور که زینس هم در پژوهش‌های خویش به آن رسیده است در برترین جایگاه یعنی فراعلم قرار می‌گیرد. زیرا بر اساس این پیش‌فرض بازیابی اطلاعات و دانش دقیقاً در کنار معرفت‌شناسی^۱ و علم قرار دارد. انسان به‌محض فراگیری به‌فکر اندوخته کردن برای بازیابی و استفاده‌ی بهینه از آن می‌افتد^۲. زینس (۲۰۰۷) هم جایگاه علم اطلاع‌رسانی و نیز کتابداری را در درخت دانش در کنار معرفت‌شناسی و همتایان آن قرار داده است. شاید او هم معتقد است که اطلاع و دانش به قصد بازیابی آن اخذ و ذخیره می‌شود. در این صورت ما به‌محض معرفت نسبت به چیزی آن را ذخیره می‌کنیم تا بعداً بازیابی‌اش نماییم.

در این نظریه نگارنده مدعی است که در وضعیت فعلی مبنای تعریف این رشته از شروع کار کتابخانه است و به نظر وی از نقطه‌ی نامطلوبی آغاز شده است. به این معنی که کتابداری نوین از مغرب زمین آغاز شده و تعریف آن بر اثر فزونی گرفتن حجم کتاب و اسناد در کتابخانه‌ها که بعداً به انفجار اطلاعات تعبیر شد نشأت گرفته است. به دیگر سخن، کتابداری و اطلاع‌رسانی جدید مخلوق کتابخانه است. در حالی که نظریه پیشنهادی جدید تفکر کتابداری و اطلاع‌رسانی را ناشی از نیاز فطری انسان به بازیابی اطلاعات برای توسعه و پیشرفت در همه‌ی ابعاد زندگی می‌داند. در نتیجه کتابخانه نه تنها موجد رشته‌ی کتابداری نیست، بلکه مخلوق این نوع تفکر است و در واقع کتابخانه حاصل نیاز انسان به بازیابی اطلاعات است و به‌عنوان بزرگ‌ترین نماد این تفکر اصیل و فطری انسان تلقی می‌گردد. بنابراین وقتی روابط بین مفاهیم و موضوعات با تلاش پیگیر شفاف و پیراسته شود، کار اطلاع‌رسانی به مقدار وسیعی صورت گرفته است. مشکل بازیابی در جهان امروز همین مسئله است. و نیز همان‌طور که از نظر فلسفی هر علمی باید دارای مبانی، موضوع، مسائل و اهداف خاص باشد، با این پیشنهاد موضوع این علم یعنی بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش و مسائل آن عمده‌تاً بررسی روابط بین حوزه‌های مختلف دانش، خواه به‌صورت طولی و خواه به‌صورت عرضی از جمله طبقه‌بندی علوم است. مبانی معمولاً شامل گزاره‌هایی است توصیفی که بر پایه‌های هستی‌شناختی و یا معرفت‌شناختی و یا انسان‌شناختی استوار است. در این جا هم بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش به معرفت‌شناسی

۱. اصولاً معرفت تا به‌منظور بازیابی طبقه‌بندی نشود قابل تحلیل و اصلاً جزو معرفت قابل انتقال نیست.

۲. نگارنده در طرح طبقه‌بندی دودویی خود (طرح در دست اجرا) به تفصیل در این باره بحث کرده و جایگاه این حوزه را در کنار معرفت‌شناسی قرار داده است.

انسان و بازیابی برای توسعه و پیشرفت در زندگی برمی گردد. با این تعریف یکی از مهم ترین زمینه های ظهور و بروز این نیاز به ویژه در سطح علمی، کتابخانه است. اما اگر کتابخانه نباشد و یا به شکل مجازی باشد این علم هم چنان حضور خواهد داشت و به گسترش خود و خدمت به جویندگان دانش و پژوهندگان علم ادامه خواهد داد. البته برخی معتقدند که لازم نیست برای هر علمی موضوعی واحد فرض کنیم، بلکه همین که پاره ای از مسائل در هدف و غایت باهم مشترک باشند برای ایجاد یک حوزه ی علمی کافی است. بدین صورت که کتابداری و اطلاع رسانی هیئت از گزاره هایی است که غایت شان کمک به بازیابی اطلاعات و دانش توسط انسان است. البته خود بازیابی هم غایت کل نیست، بلکه غایت بازیابی پیشرفت و توسعه ی زندگی بشر است.

۳. تعریف

نقد سوم نگارنده به تعریف کتابداری و اطلاع رسانی در وضعیت موجود است که اگر مورد توافق قرار گیرد، می تواند به مقدار زیادی رفع ابهام کند. تعاریف موجود از آن در کتب معتبر و از جمله در اصطلاحنامه ی کتابداری و اطلاع رسانی به زبان فارسی و نیز لاتین نارسا است (سلطانی و راستین، ۱۳۶۵). متفکران در این حوزه همچون نیتکی و موکهرجی و مالتبی^۱ و رابین شاهدان اندکی بر این مدعا هستند. نگارنده معتقد است که تعریف او که به زبان فارسی و لاتین هم چاپ شده است جامع و مانع است و آن عبارت است از (فدائی، ۱۳۸۶):

کتابداری و اطلاع رسانی علم بازیابی و اشاعه ی اطلاعات و دانش است که از شناخت اجمالی و کلی دانش (طبقه بندی) و روابط طولی و عرضی اصطلاحات تخصصی در حوزه های مختلف با توجه به دقت و سرعت و صحت آن بحث می کند.

این تعریف با این کیفیت در جایی دیگر مطرح نشده و یا نگارنده آن را ندیده است. در دنیا از بازیابی و یا ذخیره و بازیابی بسیار سخن گفته شده ولی آن را در تعریف دقیق به این صورت به کار نبرده اند. آنچه می توان بر آن تأکید کرد، این است که در این نظریه کتابداری و اطلاع رسانی در ارتباط با کلیت فرایندهای معرفتی انسان دارای شأن مشخصی شده است و ریشه های اپیستمولوژیک و انتولوژیک (زینس، ۲۰۰۷) آن مورد اشاره قرار گرفته است.

1. Arthur Maltby

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

این تعریف با تعریف سالتون و مک گیل^۱، (ثورنلی و گیب^۲، ۲۰۰۹) هم‌خوانی دارد. آنها بازیابی اطلاعات را چنین تعریف می‌کنند:

بازیابی اطلاعات راجع به بازنمایی، ذخیره، سازماندهی، و دسترسی مواد اطلاعاتی سر و کار دارد.

۴. دامنه‌ی حضور

و اما در مورد دامنه‌ی حضور این رشته باید گفت که نفوذ این رشته بسیار فراتر از وضع فعلی است. کتابداری و اطلاع‌رسانی بر حسب طبیعت خود می‌تواند دست کم در دو حوزه‌ی دیگر دست داشته باشد. به تعبیر دیگر حضور این رشته در عالم نشر از یک طرف و در مدیریت دانش از طرف دیگر می‌تواند کارساز و اثربخش باشد. این نکته را نگارنده در مقاله‌ی خویش به‌طور مشروح بیان کرده است (فدائی، ۲۰۰۹). یورلند^۳ نیز در مقالات متعدد و به‌ویژه در تئوری مفهوم^۴ خود به این امر تصریح دارد (یورلند، ۲۰۰۹).

من با تعریف بورک^۵ (۲۰۰۹) که بازیابی اطلاعات را با اجرای کامل اطلاعات^۶ هماهنگ نمی‌داند موافق نیستم. به نظر می‌رسد وی بازیابی را صرفاً عمل می‌داند و اجرای کامل اطلاعات را از سازمانی می‌خواهد که در مقابلش کاربر است. اما معین نمی‌کند که مگر غیر از این است که سازمان با افراد متخصصی موجودیت می‌یابد که خود یا مستقیماً درگیر بازیابی اطلاعات برای کاربران هستند و یا سازمان را به نحو مطلوبی تغذیه می‌کنند تا کاربران به‌خوبی بتوانند به اطلاعات مورد نظرشان دست یابند. هم‌چنین اینکه زینس (۲۰۰۷) در مطالعه‌ی دلفی خود بیان می‌دارد، علم اطلاع‌رسانی با دو زیرمجموعه‌ی خود یعنی سازمان‌دهی دانش و مدیریت دانش تعارض دارد هم رفع می‌شود. زیرا در تعریف ما علوم بازیابی و اشاعه اطلاعات و دانش جامعیت لازم را برای پوشاندن دو زیرمجموعه‌ی فوق دارد.

۵. نام‌گذاری

همان‌طور که گفته شد کتابخانه موجد تفکر کتابداری و اطلاع‌رسانی نیست، بلکه مولود

1. Salton & McGill
4. concept theory

2. Thornley & Gibb
5 Burke

3. Højrlund
6. information fulfillment

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

دکتر غلامرضا فدائی

دانشیار دانشگاه تهران، گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی

ghfadaie@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۵/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۲۰

چکیده

کتابداری و اطلاع‌رسانی به فقر مبانی نظری مبتلا است. تنها تعویض نام مشکلی را حل نمی‌کند. در واقع، کتابداری نه به لحاظ نام شایسته این رشته است و نه به لحاظ محتوا مطابقتی با مفهوم آن دارد. اگر چه در دنیای غرب با گسترش موج جدید صنعتی و نیاز روز افزون پژوهشگران به یافتن دانش، کتابخانه‌ها به‌عنوان جایگاهی برای عرضه یافته‌های علمی دارای رونقی دوباره شدند، اما با ظهور فن‌آوری اطلاعاتی و قدرت اشاعه‌ی اطلاعات از طریق استفاده از ابزارهای جدید الکترونیکی و نوری این توجه و رونق دستخوش چالش گردید. تا جایی که ضرورت وجود کتابخانه به شکل سنتی آن مورد تردید قرار گرفت. این بی‌مهری در حالی صورت گرفت که زیربنای فن‌آوری جدید هم بر طبقه‌بندی استوار بود. نویسنده در این مقاله از شش جنبه حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی را بررسی و درباره‌ی آنها پیشنهادی ارائه می‌کند. این شش جنبه عبارتند از: اول خاستگاه مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوم جایگاه آن در درخت دانش، سوم تعریف جامع و مانع از این رشته، چهارم دامنه‌ی حضور و نفوذ این رشته، پنجم پیشنهاد نامی برای آن و سرانجام پیشنهاد نام‌هایی برای مشاغلی که این حوزه ملزم به تربیت افراد برای آن مشاغل است. روش پژوهش در این مطالعه استقراء، مطالعه‌ی تطبیقی و تا اندازه‌ای تحلیل محتوا است.

کلیدواژه‌ها: کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانش‌شناسی، طبقه‌بندی، فلسفه، فلسفه‌ی علم، هویت‌شناسی، ابهام در تعریف، بازیابی اطلاعات و دانش، فراعلم



تغییر نام در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی هر از گاهی به اوج می‌رسد و این حاکی از ضرورت ذاتی نسبت به این امر است و هر چند عده‌ای در مخالفت با آن سعی در رفع و رجوع مسئله می‌کنند و شعله را خاموش می‌نمایند، باز در عصری دیگر و توسط نسلی دیگر زمزمه‌ی مخالفت و یا بیان آرزو و اعتراض شروع می‌شود. این روزها هم در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی تب تغییر نام بالا گرفته و بر اساس پیشنهادی که توسط بعضی از صاحب‌نظران مطرح شده است، گروهی نسبت به آن عملاً حساسیت نشان داده و نام‌هایی را تأیید و بعضی را رد کرده‌اند. سؤال این است که این اقبال و یا ادبار بر چه اساس متقن و درستی استوار است و از چه مایه و پایه‌ای برخوردار است تا چند صباح دیگر مجدداً مورد نقد و انتقاد قرار نگیرد. در هر حال میزان شرکت‌کننده در این اقتراح دغدغه‌ی ذهنی کتابداران و اطلاع‌رسانان را نشان می‌دهد و ثابت می‌کند که علی‌رغم اظهارات عده‌ای که بر عدم تغییر پای می‌فشرند، گروهی نه چندان اندک بر تغییر اساسی اصرار دارند. قطعاً طرفداران تغییر فقط علاقمند به تغییر نام نیستند و معتقدند که اگر محتوا و مفهوم عوض شود بسیار مناسب‌تر خواهد بود. نگارنده هم معتقد است تا به‌طور اصولی و مبنایی به این رشته نگاه نشود و همچون یک حوزه‌ی رسمی مبنایی و مسائل آن معلوم نگردد، این گونه تلاش‌ها دردی را دوا نمی‌کند.

درباره‌ی هویت کتابخانه و کتابداری و تبیین مبنایی آن بحث‌ها فراوان است و بسیاری از صاحب‌نظران خارجی و داخلی این حوزه تلاش داشته و دارند تا برای آن هویتی درخور بیابند تا همانند بسیاری از حوزه‌های علمی، این رشته بتواند با داشتن مبنایی نظری متقن و ابتناء عمل در آن مبنایی خود را مطرح کند. اما علی‌رغم همه‌ی این تلاش‌ها تا کنون نتوانسته‌اند به تعریفی شایسته و درخور دست یابند (موکهرجی^۱، ۱۳۶۸؛ ابرامی، ۱۳۷۸؛ بهمن‌آبادی، ۱۳۸۱؛ رهادوست، ۱۳۸۶؛ زینس^۲، ۲۰۰۷). حری (۱۳۷۲) با آنکه ظاهراً مخالف تغییر نام است ولی گفتار جالبی دارد که خواندنی است. او با اشاره به گفتار شخصی به نام کپلن که بر حرف "او" بین منطق و روش علمی در نام کتابی خرده گرفته است می‌گوید:

در مطالعات حوزه‌ی اطلاع‌رسانی و عناوین گردهمایی‌های آموزشی و مدارس این حوزه

1. Ajit Kumar Mukherjee

2. Zins

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

دکتر غلامرضا فدائی

دانشیار دانشگاه تهران، گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی

ghfadaie@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۵/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۲۰

چکیده

کتابداری و اطلاع‌رسانی به فقر مبانی نظری مبتلا است. تنها تعویض نام مشکلی را حل نمی‌کند. در واقع، کتابداری نه به لحاظ نام شایسته این رشته است و نه به لحاظ محتوا مطابقتی با مفهوم آن دارد. اگر چه در دنیای غرب با گسترش موج جدید صنعتی و نیاز روز افزون پژوهشگران به یافتن دانش، کتابخانه‌ها به‌عنوان جایگاهی برای عرضه یافته‌های علمی دارای رونقی دوباره شدند، اما با ظهور فن‌آوری اطلاعاتی و قدرت اشاعه‌ی اطلاعات از طریق استفاده از ابزارهای جدید الکترونیکی و نوری این توجه و رونق دستخوش چالش گردید. تا جایی که ضرورت وجود کتابخانه به شکل سنتی آن مورد تردید قرار گرفت. این بی‌مهری در حالی صورت گرفت که زیربنای فن‌آوری جدید هم بر طبقه‌بندی استوار بود. نویسنده در این مقاله از شش جنبه حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی را بررسی و درباره‌ی آنها پیشنهادی ارائه می‌کند. این شش جنبه عبارتند از: اول خاستگاه مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوم جایگاه آن در درخت دانش، سوم تعریف جامع و مانع از این رشته، چهارم دامنه‌ی حضور و نفوذ این رشته، پنجم پیشنهاد نامی برای آن و سرانجام پیشنهاد نام‌هایی برای مشاغلی که این حوزه ملزم به تربیت افراد برای آن مشاغل است. روش پژوهش در این مطالعه استقراء، مطالعه‌ی تطبیقی و تا اندازه‌ای تحلیل محتوا است.

کلیدواژه‌ها: کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانش‌شناسی، طبقه‌بندی، فلسفه، فلسفه‌ی علم، هویت‌شناسی، ابهام در تعریف، بازیابی اطلاعات و دانش، فراعلم



آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

نیز ما پیوسته علم یا علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی را در کنار هم و با او عطف به کار می‌بریم؛ که در واقع یادآور اشارات کپلن است. کتابداری چیزی جز اطلاع‌رسانی نیست و عطف این دو به یکدیگر منطقی ندارد. از سوی دیگر، چون حوزه‌ی ما در حال تحول و دگردیسی از مرحله‌ای به مرحله‌ی دیگر است، شاید جمع این دو اصطلاح برای حفظ پیوند میان سنت پیشین و نو یافته‌های اخیر برای مدتی بی‌مناسبت نباشد. اما هرگاه این پیوند از نظر مفهومی استوار شد و بیم جدا و متفاوت انگاشتن سنت کهن از میان برخاست، دیگر به کار بردن مستمر آن دو اصطلاح به صورت معطوف در عناوین و اشارات موجه نخواهد بود.

او با آنکه کتابداری و اطلاع‌رسانی را از یک جنس و خمیره می‌داند در عین حال مشخص نمی‌کند که پس از از بین رفتن بیم مورد نظر چه عنوانی را باید برای این رشته به کار برد؟ کتابداری و یا اطلاع‌رسانی؟

آنچه قابل توجه است، این است که نام با تعریف ارتباط تنگاتنگی دارد. بدون تعریف دقیق و شفاف نمی‌توان نامی مناسب انتخاب کرد و نام مناسب هم باید از خصلت‌های ذاتی مسمما خبر دهد. در کتابداری به نظر می‌رسد هم مشکل تعریف وجود دارد و هم مشکل نام‌گذاری. این مسئله اگر چه در کشورها و ملیت‌های مختلف اندکی با هم فرق می‌کند ولی در مجموع مشکلی است که در همه‌ی کشورها دامن این حوزه را گرفته است. برای بحث در این مورد لازم است تا مقداری درباره‌ی تعریف (حد) و اسم و مسمما بحث شود.

تعریف (حد) و نام‌گذاری

دشواری تعریف و حد در نظر منطق‌دانان و فلاسفه دارای ابعاد گوناگونی است. عده‌ای آن را به تعریف حقیقی و مفهومی تقسیم می‌کنند. تعریف حد را به معنای حقیقی دشوار ولی به معنای مفهومی آن آسان دانسته‌اند. از افراد فراوانی که در این مورد کار کرده و نظر داده‌اند می‌توان از ابن سینا، ابوالبرکات بغدادی و شیخ اشراق نام برد که نظرات آنان به طور مختصر در این جا آورده می‌شود.

عسکری سلیمانی (۱۳۸۳) می‌گوید: در واقع اسم برای مسمائی است که از آن شناخت داریم. میزان شناخت ما از مسمما تشکیل دهنده‌ی حد مسمما است. هر مسمائی دارای صفاتی است که آن را از دیگر مسمیات جدا می‌کند. هر موجودی دارای صفات ذاتی و نیز عرضی است. صفات ذاتی آن است که بدون آن پدیده موجودیت خود را از دست می‌دهد. اما صفات عرضی

اگر چه گاه لازم است، ولی بدون آن هم می توان از پدیده یاد کرد. صفات ذاتی در برابر صفات عرضی است. همان طور که در تعریف از ذاتیات می توان استفاده کرد از عرضیات هم می توان استفاده کرد. مثل تعریف انسان به حیوان ناطق یا انسان به حیوان ضاحک، عرض یا لازم است یا مفارق و عرض لازم یا بین است و یا غیر بین؛ بین آن است که شیئی به صورت بدیهی و بی نیاز از استدلال معلوم باشد. در منطق گفته اند تعریف باید از عرض لازم بین تالیف شود. زیرا در غیر این صورت معرف را از ابهام بیرون نمی آورد.

ضابطه‌ی اسم و مسما نزد سهروردی و بغدادی

شیخ اشراق، سهروردی، در حکمه الاشراق (۱۳۷۷) می گوید:

باید تعریف به اموری روشن تر و شناخته تر از معرف باشد و روا نیست که معرف با معرف برابر باشد و نه پنهان و مخفی تر و نیز روا نباشد که معرف از چیزهایی بود که خود شناخته نشود مگر به آنکه معرف بدان شناخته شود (ص ۲۷).

او در نقد نظریه‌ی تعریف مشائی ضابطه‌ای برای اسم و مسما ارائه می دهد و می گوید (عسکری امیری، ۱۳۸۳):

در محسوسات هر گاه کسی برای جسم مثلاً چیزی را اثبات کند و بعضی در آن تشکیک کنند و بعضی انکار نمایند آن چیز در نزد عموم مردم از اجزای مفهومی مسما به حساب نمی آید، بلکه اسم جز برای مجموع لوازم تصور مسما وضع شده است. طبق این نظریه، می توان گفت: آب یعنی جسم روان بی رنگ و بو، بارد و بالطبع رافع تشنگی و... خصوصیات که در هر آبی ظاهر است و آب برای این خصوصیات وضع شده است.

صعوبت حد حقیقی و سهولت حد مفهومی

از نظر بغدادی - حد در منطق تفسیر لغات و تعریف معانی الفاظ است. در حالی که شیخ اشراق به دو نوع حد قائل است. حد مفهومی و حد حقیقی^۱. او وصول به حد حقیقی را دشوار

۱. مظفری (۱۳۶۱) گوید: تعریف به معنای شناساندن و در اصطلاح منطقی بر دو قسم است: حقیقی و لفظی. و هر یک بر دو قسم اند: تام و ناقص. تعریف لفظی که به آن شرح الاسم هم می گویند عبارت از بیان کردن لفظی که معنای آن نزد مخاطب مجهول است با لفظ دیگری که در نزد او معلوم است (ص ۳۶-۳۷). هم چنین وی (۱۳۶۱) ←

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

بلکه ممتنع می‌داند - اختلاف در این زمینه بین منطق‌دانان و فلاسفه بسیار است (فخر رازی، ۱۳۸۱؛ عسکری امیری، ۱۳۸۳). پس از شیخ‌الرئیس، بغدادی استدلال او را رد می‌کند و نظر شیخ را به نقد می‌کشد و سهولت حد را تجویز می‌کند. شیخ اشراق هم سهولت حد مفهومی را بر حد حقیقی ترجیح می‌دهد.

در نزد غزالی هم اول باید به تقرر معانی راه یافت، سپس الفاظ را تابع معانی نمود (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۵). او هم به صعوبت رسیدن به حد حقیقی معترف است.

در هر حال دو نظریه می‌پذیرند که نام‌گذارنده اسم را بر مسما به مقدار آگاهی‌های در نظر گرفته شده از مسما قرار می‌دهد (عسکری امیری، ۱۳۸۳). با این تفاوت که در نظر شیخ اشراق اسم بر مسما به میزان آگاهی که از مسما ظاهر است قرار داده می‌شود. از این رو اختلاف در اجزای یک شیء دلیل بر آن است که مورد اختلاف جزو مفهوم آن شیء به حساب نمی‌آید. اما بغدادی می‌گوید میزان آگاهی ممکن است برای مسما ظاهر و روشن باشد یا از راه کشف علمی معلوم شده باشد. از این رو بغدادی نتیجه می‌گیرد حدود به سبب اختلاف در آگاهی‌ها متفاوت می‌شوند. معانی بسیط برای وجودهای بسیط و معانی مرکب برای وجودهای مرکب. می‌توان فرض کرد نام‌گذاری کاملاً قراردادی است، به گونه‌ای که اسم به ازای ویژگی‌های در نظر گرفته شده ذکر می‌شوند.

بغدادی در خصوص اسم‌هایی که بیان وصف و حالتی هستند یعنی مشتق‌ها و مبداً اشتقاق‌شان و نیز اسم‌هایی که معنای مشتق می‌دهند می‌گوید: همان‌گونه که نام‌گذارنده آنچه را که می‌شناسد و از آن جهت که می‌شناسد نام می‌گذارد، حدآورنده نیز حد چیزی را که نام‌گذاری کرده و از آن جهتی که نام‌گذاری کرده است می‌آورد (عسکری امیری، ۱۳۸۳).

→ گوید: معرف بر دو قسم است: حد و رسم و هر یک نیز بر دو قسم است: تام و ناقص. اگر در تعریف فصل قریب اخذ شود آن را حد گویند و اگر خاصه اخذ شود آن را رسم گویند. اگر با فصل قریب جنس قریب هم اخذ شود آن را حد تام گویند مثل اینکه در تعریف انسان گفته شود حیوان ناطق. اگر با فصل قریب جنس بعید ذکر شود و یا فقط به فصل اکتفا شود آن را حد ناقص گویند مثل اینکه در تعریف انسان گفته شود جسم نامی ناطق و یا فقط ناطق. اگر با خاصه جنس قریب اخذ شود آن را رسم تام گویند مثلاً در تعریف انسان گفته شود حیوان ضاحک. و اگر با خاصه جنس بعید اخذ شود و یا فقط به خاصه اکتفا شود به آن رسم ناقص گویند مثل اینکه در تعریف انسان گفته شود جسم نامی ضاحک و یا فقط ضاحک. گاه تعریف به مثال باشد مثل اینکه گفته شود علم مثل نور است (ص ۱۴۷-۱۴۹).

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، این است که حد و اسم باهم ارتباط ناگسستنی دارند. ممکن است ما مواردی داشته باشیم که اسم هیچ گونه رابطه‌ای با مسما نداشته باشد، اما این موارد همواره کاربران را دچار گرفتاری می‌کند. علاوه بر اسم در القاب و کنیه‌ها هم این مسئله رعایت می‌شود. در مورد آدم‌ها، کنیه‌ها گاه به‌خاطر احترام و گاه به‌خاطر تحقیراند و این ربطی به ماهیت وجودی و عملکردی افراد که بخشی از تعریف واقعی آنان را تشکیل می‌دهد ندارد. عسکری امیری (۱۳۸۳) در مقاله‌ی خود نتیجه‌گیری می‌کند:

که نام‌گذاری اسم‌های عام بدون تصور مسما، هر چند به واسطه‌ی لوازم و آثار آنها، ممکن نیست. نام‌گذاری اسم بر مسما اگرچه منطقاً ممکن است به میزان معانی در نظر گرفته شده از مسما باشد و تعریف مسما نیز بر اساس آن تنظیم شود، اما مردم عملاً همه‌ی اسامی عام را بر این اساس بر مسما وضع نمی‌کنند. و نیز اطلاق و به‌کارگیری اسم بر مسما اگرچه ممکن است بر اساس نام‌گذاری و به‌میزانی که در نام‌گذاری در نظر گرفته باشند، ولی در خارج چنین نیست (ص ۱۱۰-۱۰۹).

در واقع، برای بحث درباره‌ی هر موضوعی شناخت و تعریفی از آن لازم است. حتی کسانی که تعریف ارسطویی را در زمان حال جوابگو نمی‌دانند هم بر ضرورت وجود تعریف برای مطالعه‌ی هر موضوعی اذعان دارند (یثربی، ۱۳۸۶). فرومان^۱ (۲۰۰۹) به سه ضرورت برای توجه به تعریف اشاره می‌کند. یکی ضرورت ابزاری برای استفاده‌ی کاری، دوم توجه به ویژگی‌های ذاتی شیئی برای تعریف براساس آنچه جان استوارت میل گفته است و سوم توجه به جنبه‌ی پراگماتیک و زبانی هر پدیده با توجه به آموزه‌های ویتکنشتاین. او به‌هر حال توجه دارد که در صورت نبودن "تعریف" ارتباطات انسانی به اغتشاش و درهم‌برهمی می‌گشود. اکنون در حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی سؤال این است که آیا تعریف کتابداری بر فرض وجود و اتفاق نظر بر آن از ذاتیات سخن می‌گوید و یا بر عرضیات و آن هم بر عرضیات بین و لازم دلالت دارد تا بر اساس آن بتوان نام درستی که بیانگر ویژگی‌های مسما است داشته باشد؟

در واقع، نام کتابداری و اطلاع‌رسانی هیچ یک بیانگر ذاتیات و یا به احتمال قوی

1. Bernd Frohmann

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

عرضیات^۱ این رشته نیستند. زیرا کتابداری اگر بر سیاق خانه‌داری و یا دهداری و یا شهرداری در نظر گرفته شود همانند همتایان خود نمی‌تواند بیان مقصود کند. خانه‌دار خانه با همهی خصوصیاتش در اختیار اوست و همین‌طور دهدار و شهردار در واقع، ده و شهر را در اختیار دارند. اما کتابدار فقط کتاب در اختیار او نیست، زیرا هر آدم باسوادى ممکن است کتاب در نزد او باشد و اگر مجموعه‌ی کتاب را هم در نظر بگیریم مخزن (انبار) دار کتاب و یا کتاب‌فروش هم کتاب در اختیار اوست و لفظ کتابدار نمی‌تواند در بین این مفاهیم مشترک مقصود اصلی که کتابداری مدعی آن است را برساند. اگر کتابداری را کتابدار به‌علاوه یای نسبت بگیریم باز همین مشکل وجود دارد، زیرا هنوز بر سر اینکه کتابدار چه کسی و یا چه وظیفه‌ای دارد تفاهم نشده است. در اطلاع‌رسانی هم مشکل وجود دارد و رساندن اطلاع با هر مفهومی که از اطلاع در نظر داشته باشیم نمی‌تواند بیانگر وظیفه‌ی اختصاصی این رشته باشد. مدعیان دیگری از جمله متخصصان مخابرات و ارتباطات و رایانه‌وران ممکن است مدعیان پر و پا قرص این مسئله باشند.

اگر گفته شود واضعان این نام بر حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی بدون در نظر گرفتن تناسب نام با تعریف به چنین امری اقدام کرده‌اند و هر کس می‌خواهد با این مسئله آشنا شود لازم است تعریف قراردادی پیشگامان این حوزه را بنگرد و بخواند و ربط آن را خود دریابد، تازه اول مسئله است و مشکل هم‌چنان بر جای خود باقی است.

بنابراین یا باید قائل به ربط نشد و صرف وجود لفظ کتاب در کتابداری، آن را بیانگر اهداف و وظایف این حوزه دانست و یا باید به فکر چاره بود و در این راه همت گماشت و از اقبال و یا ادبار هم نهراسید. در بسیاری از اوقات ممکن است در آغاز نامی ناآشنا و نامناسب جلوه کند ولی به مرور زمان و در نسل‌های بعد مورد توجه قرار گیرد.

با این مقدمه نگارنده بر آن است تا به‌طور مبنایی مسئله را بازکاوی کند و نه فقط نام بلکه محتوا و رسالت این حوزه را مورد بازبینی قرار دهد و پیشنهادهای خود را عرضه دارد.

هدف

هدف نگارنده در این مقاله این است که از شش جنبه حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی را

۱. بخشی از کار اطلاع‌رسانی یا مدیریت دانش اگر به کتاب و کتابخانه هم برگردد ظاهراً عرض قریب هم نیست.

بررسی و درباره‌ی آنها پیشنهادی ارائه کند. این شش جنبه عبارتند از: اول خاستگاه مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوم جایگاه آن در درخت دانش، سوم تعریف جامع و مانع از این رشته، چهارم دامنه‌ی حضور و نفوذ این رشته، پنجم پیشنهاد نامی برای آن و سرانجام پیشنهاد نام برای مشاغلی که این رشته عهده‌دار تربیت نیرو برای آن است. روش پژوهش در این مطالعه استقراء، مطالعه‌ی تطبیقی و تا اندازه‌ای تحلیل محتوا است.

۱. خاستگاه

در قسمت اول نگارنده معتقد است که مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی مولود کتابخانه نیست، بلکه بوجود آورنده‌ی آن است (فدائی، ۱۳۸۶). او این مطلب را به تفصیل در مقاله‌ی کتابداری در جست‌وجوی هویتی نو بیان کرده است. توضیح اینکه در اکثر منابع آمده است که علم و یا فن کتابداری مولود کتابخانه است (سینق^۱، ۱۳۷۳).^۲ به این معنی که پس از ظهور و حضور کتابخانه، کتابداری بوجود آمده است و همین‌طور اطلاع‌رسانی را مولود تحول صنعتی و الکترونیکی عصر حاضر می‌دانند. درحالی‌که اگر بدقت بنگریم این مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی بوده است که موجب پدید آمدن کتابخانه شده و همین‌طور نیاز انسان به اطلاعات بوده است که باعث تحول شگرف در امر اطلاع‌رسانی گشته است. به تعبیر دیگر، انسان از آغاز زندگی خود می‌آموزد و به محض آموختن و کسب اطلاع، آن را در حافظه بایگانی می‌کند تا آن را بازبایی و از آن در جهت مصارف زندگی خویش استفاده نماید. علت اصلی اشکال به‌زعم نگارنده این است که در جهان ضرورت نیاز به دانش کتابداری را از ضرورت وجود کتابخانه وام گرفته‌اند. درحالی‌که کتابخانه خود حاصل و معلول نیازمندی انسان به بازبایی از طریق طبقه‌بندی دانش‌ها برای پیشرفت در امور است (فدائی، ۱۳۸۶). یعنی به‌جای اینکه نیاز انسان اعم از عادی و یا دانشمند به بازبایی و برای رسیدن به آن استفاده از طبقه‌بندی دانش مبنای پیدایش علم کتابداری و اطلاع‌رسانی باشد، ایجاد کتابخانه که خود معلول این نیاز است موجب پیدایش این علم تلقی شده است. به‌ناچار، گاه هم نام‌گذاری غلط از آب درآمده است و هم

1. Mohinder Singh

۲. در سرفصل‌های درس مبانی کتابداری مصوب شورای برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی اگر بنگرید کم‌تر اثری از مباحث بنیانی راجع به این حوزه می‌یابید. در آنجا عمدتاً به تاریخچه می‌پردازند که در درس‌های دیگر از جمله مقدمات کتابداری تدریس می‌شود.

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

عده‌ای در بیان هدف به بی‌راهه رفته‌اند و کتابداری را حرفه خوانده‌اند (راینسون^۱، ۲۰۰۹) و کارکرد آن را صرفاً خدمت به اجتماع دانسته‌اند که هدفی جز تأمین رضایت مراجعه‌کنندگان ندارد. در این هم ثابت قدم نمانده‌اند و به جای آنکه آن را در حوزه و زمره‌ی علوم اجتماعی بدانند گاه، آن را به علوم تربیتی، هنر، تاریخ، ادبیات و مانند آن متصل نموده‌اند.

گرفتاری‌های مفهومی موجود در کتابداری و اطلاع‌رسانی مربوط به زمان حال نیست. از آنجایی که گرفتاری آن ذاتی است سابقه موضوعات فوق در جهان و ایران طولانی است. بسیاری از متفکران داخلی و خارجی در این باره اظهار نظر کرده‌اند. متفکران این حوزه از طریق جست‌وجو در مفهوم اطلاع و اهمیت آن تلاش دارند تا تعریفی جدید برای این حوزه بیابند. مثلاً پیرس باتلر^۲، جس شرا^۳، مارگارت ایگان^۴، جان باد^۵، برند فرومان، مایکل باکلند^۶، رافائل کاپورو^۷ و لوجیانو فلورییدی^۸ در خارج از ایران در این باره مطالبی دارند (رهادوست، ۱۳۸۶؛ بهمن آبادی، ۱۳۸۱؛ خندان، ۱۳۸۶). در ایران جلال مساوات در این باره اظهار نظر کرده است. ابرامی هم تعبیر دانش‌شناسی را برای این حوزه پیشنهاد کرده است. تأسیس نشریه‌های جدیدی به نام اطلاع‌شناسی و یا دانش‌شناسی در کشور تلاشی در این باره است. نگارنده در مقاله‌ی قبلی خود که در سال گذشته در کنفرانس بین‌المللی "اطلاع‌رسانی و تکنولوژی اطلاعات" در وارنا، بلغارستان ارائه و در مجله‌ای به‌همین نام چاپ شد، نام دانش‌شناسی و اطلاع‌رسانی را برای این رشته پیشنهاد کرده بود. ولی در مقاله‌ای که در سال ۲۰۰۹ به کنفرانسی که در امریکا برگزار شد ارائه نمود و در شماره‌ی ۶ آن مجله^۹ چاپ شد آن را به علم (وفن) بازیابی اطلاعات تغییر و پیشنهاد داده است. اما نظر فعلی او قدری تغییر کرده و آن را به رشته‌ی علوم بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش (عباد) تغییر داده است.^{۱۰} در این تعریف کارکرد اصلی این حوزه بازیابی و اشاعه‌ی اطلاع و دانش معرفی شده است.

لازم به ذکر است که فرد شاپیرو (۱۳۷۸) در مقاله‌ای با عنوان «ابداع و تکامل اصطلاح علم اطلاع‌رسانی» مراحل تطور علم اطلاع‌رسانی را ذکر کرده است. راینسون (۲۰۰۹) از نام‌های

1. Lyn Robinson

2. Pierce Butler

3. Jesse Shera

4. Margaret Elizabeth Egan

5. John Budd

6. Michael Buckland

7. Rafael capurro

8. Luciano Floridi

9. Issues in Information Science and Information Technology

۱۰. معادل انگلیسی آن می‌شود:

Sciences of Retrieval and Dissemination of Information / Knowledge (SRDI/K)

گوناگون برای این رشته مانند فراعلم^۱، میان علم^۲، علم پست مدرن، علم برتر^۳، علم بلاغی^۴، علم تحریر^۵ (نماد)، هنر آزاد^۶، و علم دانش^۷ و یا شاید دانش‌شناسی و مانند آن که هر یک توسط متفکری پیشنهاد شده است نام برده است.

اولین مفهوم کتابخانه به حافظه‌ی انسان و اولین مفهوم کتابداری به فرایند بیداد و بخاطر آوردن اندوخته‌های ذهنی برای استفاده از آن برمی‌گردد. اگرچه توجه به بازیابی در تعاریف فراوان آمده و یا مفهوم ذخیره و بازیابی با هم زیاد مطرح بوده است ولی با چنین تفصیلی شاید برای اولین بار مطرح می‌شود. بنابراین مبنای این تفکر به اصل معرفت و چگونگی شکل‌گیری و ضرورت ذخیره‌ی آن به منظور بازیابی و اشاعه برمی‌گردد و اینکه در این حالت این مفهوم در وهله‌ی اول ربطی به کتابخانه به معنای فیزیکی آن و یا تکنولوژی اطلاعات ندارد. در این تعریف کتابخانه به عنوان بزرگ‌ترین نماد این ضرورت و فن‌آوری ابزاری، برای هرچه بهتر انجام دادن این وظیفه مطرح می‌شود. با این دیدگاه جایگاه کتابداری و اطلاع‌رسانی کاملاً عوض می‌شود و در درخت علم جایگاه آن در فراعلم^۸ و در کنار معرفت‌شناسی قرار می‌گیرد. به این معنی به محض اینکه انسان اطلاعی را کسب کرد در حفظ و بایگانی آن می‌کوشد و به نوعی آن را طبقه‌بندی می‌کند تا به هنگام ضرورت و لزوم آن را بازیابی کند و از آن استفاده نماید. در واقع اولین کتابخانه حافظه آدمی است. بر این نکته زینس (۲۰۰۷) هم اشاره دارد.

در شماره‌ی ۷۲ مجله‌ی فصلنامه‌ی کتاب که توسط کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران منتشر می‌شود، مقاله‌ای به نام "کتابداری و اطلاع‌رسانی در جست‌وجوی هویتی نو" و نیز سه مقاله‌ی انگلیسی که یکی از آنها در کنفرانس "علوم اطلاعات و علوم فن‌آوری" در ماه ژوئن ۲۰۰۹ در امریکا برگزار شده است، نگارنده به طور مبسوط پیشنهادهای خود را ارائه کرده است.

۲. جایگاه کتابداری و اطلاع‌رسانی در درخت علم

با توجه به این نظریه جایگاه حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی از وابستگی به بعضی

1. meta science

2. inter science

3. superior science

4. rhetorical science

5. nomad science

6. liberal art

7. knowledge science

۸. فراعلم در این جا هم به معنای علمی است که ورای همه‌ی علوم است و یا جنبه‌ی مقدماتی و ابزاری برای همه‌ی علوم دیگر دارد.

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

رشته‌ها آزاد می‌شود و همان‌طور که زینس هم در پژوهش‌های خویش به آن رسیده است در برترین جایگاه یعنی فراعلم قرار می‌گیرد. زیرا بر اساس این پیش‌فرض بازیابی اطلاعات و دانش دقیقاً در کنار معرفت‌شناسی^۱ و علم قرار دارد. انسان به‌محض فراگیری به‌فکر اندوخته کردن برای بازیابی و استفاده‌ی بهینه از آن می‌افتد^۲. زینس (۲۰۰۷) هم جایگاه علم اطلاع‌رسانی و نیز کتابداری را در درخت دانش در کنار معرفت‌شناسی و همتایان آن قرار داده است. شاید او هم معتقد است که اطلاع و دانش به قصد بازیابی آن اخذ و ذخیره می‌شود. در این صورت ما به‌محض معرفت نسبت به چیزی آن را ذخیره می‌کنیم تا بعداً بازیابی‌اش نماییم.

در این نظریه نگارنده مدعی است که در وضعیت فعلی مبنای تعریف این رشته از شروع کار کتابخانه است و به نظر وی از نقطه‌ی نامطلوبی آغاز شده است. به این معنی که کتابداری نوین از مغرب زمین آغاز شده و تعریف آن بر اثر فزونی گرفتن حجم کتاب و اسناد در کتابخانه‌ها که بعداً به انفجار اطلاعات تعبیر شد نشأت گرفته است. به دیگر سخن، کتابداری و اطلاع‌رسانی جدید مخلوق کتابخانه است. در حالی که نظریه پیشنهادی جدید تفکر کتابداری و اطلاع‌رسانی را ناشی از نیاز فطری انسان به بازیابی اطلاعات برای توسعه و پیشرفت در همه‌ی ابعاد زندگی می‌داند. در نتیجه کتابخانه نه تنها موجد رشته‌ی کتابداری نیست، بلکه مخلوق این نوع تفکر است و در واقع کتابخانه حاصل نیاز انسان به بازیابی اطلاعات است و به‌عنوان بزرگ‌ترین نماد این تفکر اصیل و فطری انسان تلقی می‌گردد. بنابراین وقتی روابط بین مفاهیم و موضوعات با تلاش پیگیر شفاف و پیراسته شود، کار اطلاع‌رسانی به مقدار وسیعی صورت گرفته است. مشکل بازیابی در جهان امروز همین مسئله است. و نیز همان‌طور که از نظر فلسفی هر علمی باید دارای مبانی، موضوع، مسائل و اهداف خاص باشد، با این پیشنهاد موضوع این علم یعنی بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش و مسائل آن عمده‌تاً بررسی روابط بین حوزه‌های مختلف دانش، خواه به‌صورت طولی و خواه به‌صورت عرضی از جمله طبقه‌بندی علوم است. مبانی معمولاً شامل گزاره‌هایی است توصیفی که بر پایه‌های هستی‌شناختی و یا معرفت‌شناختی و یا انسان‌شناختی استوار است. در این جا هم بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش به معرفت‌شناسی

۱. اصولاً معرفت تا به‌منظور بازیابی طبقه‌بندی نشود قابل تحلیل و اصلاً جزو معرفت قابل انتقال نیست.

۲. نگارنده در طرح طبقه‌بندی دودویی خود (طرح در دست اجرا) به تفصیل در این باره بحث کرده و جایگاه این حوزه را در کنار معرفت‌شناسی قرار داده است.

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

رشته‌ها آزاد می‌شود و همان‌طور که زینس هم در پژوهش‌های خویش به آن رسیده است در برترین جایگاه یعنی فراعلم قرار می‌گیرد. زیرا بر اساس این پیش‌فرض بازیابی اطلاعات و دانش دقیقاً در کنار معرفت‌شناسی^۱ و علم قرار دارد. انسان به‌محض فراگیری به‌فکر اندوخته کردن برای بازیابی و استفاده‌ی بهینه از آن می‌افتد^۲. زینس (۲۰۰۷) هم جایگاه علم اطلاع‌رسانی و نیز کتابداری را در درخت دانش در کنار معرفت‌شناسی و همتایان آن قرار داده است. شاید او هم معتقد است که اطلاع و دانش به قصد بازیابی آن اخذ و ذخیره می‌شود. در این صورت ما به‌محض معرفت نسبت به چیزی آن را ذخیره می‌کنیم تا بعداً بازیابی‌اش نماییم.

در این نظریه نگارنده مدعی است که در وضعیت فعلی مبنای تعریف این رشته از شروع کار کتابخانه است و به نظر وی از نقطه‌ی نامطلوبی آغاز شده است. به این معنی که کتابداری نوین از مغرب زمین آغاز شده و تعریف آن بر اثر فزونی گرفتن حجم کتاب و اسناد در کتابخانه‌ها که بعداً به انفجار اطلاعات تعبیر شد نشأت گرفته است. به دیگر سخن، کتابداری و اطلاع‌رسانی جدید مخلوق کتابخانه است. در حالی که نظریه پیشنهادی جدید تفکر کتابداری و اطلاع‌رسانی را ناشی از نیاز فطری انسان به بازیابی اطلاعات برای توسعه و پیشرفت در همه‌ی ابعاد زندگی می‌داند. در نتیجه کتابخانه نه تنها موجب رشته‌ی کتابداری نیست، بلکه مخلوق این نوع تفکر است و در واقع کتابخانه حاصل نیاز انسان به بازیابی اطلاعات است و به‌عنوان بزرگ‌ترین نماد این تفکر اصیل و فطری انسان تلقی می‌گردد. بنابراین وقتی روابط بین مفاهیم و موضوعات با تلاش پیگیر شفاف و پیراسته شود، کار اطلاع‌رسانی به مقدار وسیعی صورت گرفته است. مشکل بازیابی در جهان امروز همین مسئله است. و نیز همان‌طور که از نظر فلسفی هر علمی باید دارای مبانی، موضوع، مسائل و اهداف خاص باشد، با این پیشنهاد موضوع این علم یعنی بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش و مسائل آن عمده‌تاً بررسی روابط بین حوزه‌های مختلف دانش، خواه به‌صورت طولی و خواه به‌صورت عرضی از جمله طبقه‌بندی علوم است. مبانی معمولاً شامل گزاره‌هایی است توصیفی که بر پایه‌های هستی‌شناختی و یا معرفت‌شناختی و یا انسان‌شناختی استوار است. در این جا هم بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش به معرفت‌شناسی

۱. اصولاً معرفت تا به‌منظور بازیابی طبقه‌بندی نشود قابل تحلیل و اصلاً جزو معرفت قابل انتقال نیست.

۲. نگارنده در طرح طبقه‌بندی دودویی خود (طرح در دست اجرا) به تفصیل در این باره بحث کرده و جایگاه این حوزه را در کنار معرفت‌شناسی قرار داده است.

انسان و بازیابی برای توسعه و پیشرفت در زندگی برمی گردد. با این تعریف یکی از مهم ترین زمینه های ظهور و بروز این نیاز به ویژه در سطح علمی، کتابخانه است. اما اگر کتابخانه نباشد و یا به شکل مجازی باشد این علم هم چنان حضور خواهد داشت و به گسترش خود و خدمت به جویندگان دانش و پژوهندگان علم ادامه خواهد داد. البته برخی معتقدند که لازم نیست برای هر علمی موضوعی واحد فرض کنیم، بلکه همین که پاره ای از مسائل در هدف و غایت باهم مشترک باشند برای ایجاد یک حوزه ی علمی کافی است. بدین صورت که کتابداری و اطلاع رسانی هیئت از گزاره هایی است که غایت شان کمک به بازیابی اطلاعات و دانش توسط انسان است. البته خود بازیابی هم غایت کل نیست، بلکه غایت بازیابی پیشرفت و توسعه ی زندگی بشر است.

۳. تعریف

نقد سوم نگارنده به تعریف کتابداری و اطلاع رسانی در وضعیت موجود است که اگر مورد توافق قرار گیرد، می تواند به مقدار زیادی رفع ابهام کند. تعاریف موجود از آن در کتب معتبر و از جمله در اصطلاحنامه ی کتابداری و اطلاع رسانی به زبان فارسی و نیز لاتین نارسا است (سلطانی و راستین، ۱۳۶۵). متفکران در این حوزه همچون نیتکی و موکهرجی و مالتبی^۱ و رابین شاهدان اندکی بر این مدعا هستند. نگارنده معتقد است که تعریف او که به زبان فارسی و لاتین هم چاپ شده است جامع و مانع است و آن عبارت است از (فدائی، ۱۳۸۶):

کتابداری و اطلاع رسانی علم بازیابی و اشاعه ی اطلاعات و دانش است که از شناخت اجمالی و کلی دانش (طبقه بندی) و روابط طولی و عرضی اصطلاحات تخصصی در حوزه های مختلف با توجه به دقت و سرعت و صحت آن بحث می کند.

این تعریف با این کیفیت در جایی دیگر مطرح نشده و یا نگارنده آن را ندیده است. در دنیا از بازیابی و یا ذخیره و بازیابی بسیار سخن گفته شده ولی آن را در تعریف دقیق به این صورت به کار نبرده اند. آنچه می توان بر آن تأکید کرد، این است که در این نظریه کتابداری و اطلاع رسانی در ارتباط با کلیت فرایندهای معرفتی انسان دارای شأن مشخصی شده است و ریشه های اپیستمولوژیک و انتولوژیک (زینس، ۲۰۰۷) آن مورد اشاره قرار گرفته است.

1. Arthur Maltby

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

این تعریف با تعریف سالتون و مک گیل^۱، (ثورنلی و گیب^۲، ۲۰۰۹) هم‌خوانی دارد. آنها بازیابی اطلاعات را چنین تعریف می‌کنند:

بازیابی اطلاعات راجع به بازنمایی، ذخیره، سازماندهی، و دسترسی مواد اطلاعاتی سر و کار دارد.

۴. دامنه‌ی حضور

و اما در مورد دامنه‌ی حضور این رشته باید گفت که نفوذ این رشته بسیار فراتر از وضع فعلی است. کتابداری و اطلاع‌رسانی بر حسب طبیعت خود می‌تواند دست کم در دو حوزه‌ی دیگر دست داشته باشد. به تعبیر دیگر حضور این رشته در عالم نشر از یک طرف و در مدیریت دانش از طرف دیگر می‌تواند کارساز و اثربخش باشد. این نکته را نگارنده در مقاله‌ی خویش به‌طور مشروح بیان کرده است (فدائی، ۲۰۰۹). یورلند^۳ نیز در مقالات متعدد و به‌ویژه در تئوری مفهوم^۴ خود به این امر تصریح دارد (یورلند، ۲۰۰۹).

من با تعریف بورک^۵ (۲۰۰۹) که بازیابی اطلاعات را با اجرای کامل اطلاعات^۶ هماهنگ نمی‌داند موافق نیستم. به نظر می‌رسد وی بازیابی را صرفاً عمل می‌داند و اجرای کامل اطلاعات را از سازمانی می‌خواهد که در مقابلش کاربر است. اما معین نمی‌کند که مگر غیر از این است که سازمان با افراد متخصصی موجودیت می‌یابد که خود یا مستقیماً درگیر بازیابی اطلاعات برای کاربران هستند و یا سازمان را به نحو مطلوبی تغذیه می‌کنند تا کاربران به‌خوبی بتوانند به اطلاعات مورد نظرشان دست یابند. هم‌چنین اینکه زینس (۲۰۰۷) در مطالعه‌ی دلفی خود بیان می‌دارد، علم اطلاع‌رسانی با دو زیرمجموعه‌ی خود یعنی سازمان‌دهی دانش و مدیریت دانش تعارض دارد هم رفع می‌شود. زیرا در تعریف ما علوم بازیابی و اشاعه اطلاعات و دانش جامعیت لازم را برای پوشاندن دو زیرمجموعه‌ی فوق دارد.

۵. نام‌گذاری

همان‌طور که گفته شد کتابخانه موجد تفکر کتابداری و اطلاع‌رسانی نیست، بلکه مولود

1. Salton & McGill
4. concept theory

2. Thornley & Gibb
5 Burke

3. Højrlund
6. information fulfillment

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

- رهادوست، فاطمه (۱۳۸۶). *فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی*. تهران: کتابدار.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۴۱). *فرهنگ اصطلاحات علوم عقلی*. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین (۱۳۶۵). *اصطلاحنامه کتابداری*. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- سلیمانی امیری، عسکری (۱۳۸۳). *صعوبت یا سهولت حد و رابطه آن با وضع اسما عام بر مسمما*. معرفت فلسفی. ۱(۴).
- سهروردی، یحیی بن حبش (۱۳۷۷). *حکمه الاشراق*. ترجمه و شرح جعفر سجادی. تهران: دانشگاه تهران.
- سینق، موهیندر (۱۳۷۳). *مدیریت کتابخانه و نظام اطلاع‌رسانی*. تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی.
- شاپیرو، فرد (۱۳۸۷). *ابداع و تکامل اصطلاح علم اطلاع‌رسانی، ترجمه علی مزینانی*. پیام کتابخانه، ۹ (۱)، ص ۶۵-۶۷.
- فخررازی، محمد بن عمر (۱۳۸۱). *منطق الماخص*. تقدیم، تحقیق و تعلیق احد فرامرز قراملکی و آدینه اصغری‌نژاد. تهران: دانشگاه امام صادق.
- فدائی، غلامرضا (۱۳۸۶). *کتابداری و اطلاع‌رسانی در جست وجوی هویتی نو*. فصلنامه کتاب. ۱۸ (۴)، ۱۷۵-۱۹۲.
- فدائی، غلامرضا (۱۳۸۴). *مدیریت یادمانه (آرشیو)*. تهران: دانشگاه تهران.
- مظفری، محمد (۱۳۶۱). *اصطلاحات منطقی*. قم: خیام.
- موکهرجی، ا.ک. (۱۳۶۸). *تاریخ و فلسفه کتابداری*. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: آستان قدس رضوی.

یثربی، یحیی (۱۳۸۶). *تحلیل انتقادی تاریخ فلسفه اسلامی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Burke, Maria, E (2009). The Exploration of Relationships between Information Fulfillment and Organizational Design. *Journal of Documentation*, 65 (4).

Fadaie, Gholamreza (2008a). In Search of New Identity for LIS Discipline, with Some Reference to Iran. *Issues in Information Science and Information Technology*, 5.

Fadaie, Gholamreza (2008b). The Influence of Classification on Worldview and Epistemology. in *Proceedings of the Informing Science & IT Education Conference (InSITE) 2008*.

Fadaie, Gholamreza (2009). LIS Discipline or Information Retrieval. *Issues in Information Science and Information Technology*, 6.

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

- رهادوست، فاطمه (۱۳۸۶). *فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی*. تهران: کتابدار.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۴۱). *فرهنگ اصطلاحات علوم عقلی*. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین (۱۳۶۵). *اصطلاحنامه کتابداری*. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- سلیمانی امیری، عسکری (۱۳۸۳). *صعوبت یا سهولت حد و رابطه آن با وضع اسما عام بر مسمما*. معرفت فلسفی. ۱(۴).
- سهروردی، یحیی بن حبش (۱۳۷۷). *حکمه الاشراق*. ترجمه و شرح جعفر سجادی. تهران: دانشگاه تهران.
- سینق، موهیندر (۱۳۷۳). *مدیریت کتابخانه و نظام اطلاع‌رسانی*. تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی.
- شاپیرو، فرد (۱۳۸۷). *ابداع و تکامل اصطلاح علم اطلاع‌رسانی، ترجمه علی مزینانی*. پیام کتابخانه، ۹ (۱)، ص ۶۵-۶۷.
- فخررازی، محمد بن عمر (۱۳۸۱). *منطق المخلص*. تقدیم، تحقیق و تعلیق احد فرامرز قراملکی و آدینه اصغری‌نژاد. تهران: دانشگاه امام صادق.
- فدائی، غلامرضا (۱۳۸۶). *کتابداری و اطلاع‌رسانی در جست وجوی هویتی نو*. فصلنامه کتاب. ۱۸ (۴)، ۱۷۵-۱۹۲.
- فدائی، غلامرضا (۱۳۸۴). *مدیریت یادمانه (آرشیو)*. تهران: دانشگاه تهران.
- مظفری، محمد (۱۳۶۱). *اصطلاحات منطقی*. قم: خیام.
- موکهرجی، ا.ک. (۱۳۶۸). *تاریخ و فلسفه کتابداری*. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: آستان قدس رضوی.

یثربی، یحیی (۱۳۸۶). *تحلیل انتقادی تاریخ فلسفه اسلامی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Burke, Maria, E (2009). The Exploration of Relationships between Information Fulfillment and Organizational Design. *Journal of Documentation*, 65 (4).

Fadaie, Gholamreza (2008a). In Search of New Identity for LIS Discipline, with Some Reference to Iran. *Issues in Information Science and Information Technology*, 5.

Fadaie, Gholamreza (2008b). The Influence of Classification on Worldview and Epistemology. in *Proceedings of the Informing Science & IT Education Conference (InSITE) 2008*.

Fadaie, Gholamreza (2009). LIS Discipline or Information Retrieval. *Issues in Information Science and Information Technology*, 6.

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

دکتر غلامرضا فدائی

دانشیار دانشگاه تهران، گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی

ghfadaie@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۵/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۲۰

چکیده

کتابداری و اطلاع‌رسانی به فقر مبانی نظری مبتلا است. تنها تعویض نام مشکلی را حل نمی‌کند. در واقع، کتابداری نه به لحاظ نام شایسته این رشته است و نه به لحاظ محتوا مطابقتی با مفهوم آن دارد. اگر چه در دنیای غرب با گسترش موج جدید صنعتی و نیاز روز افزون پژوهشگران به یافتن دانش، کتابخانه‌ها به‌عنوان جایگاهی برای عرضه یافته‌های علمی دارای رونقی دوباره شدند، اما با ظهور فن‌آوری اطلاعاتی و قدرت اشاعه‌ی اطلاعات از طریق استفاده از ابزارهای جدید الکترونیکی و نوری این توجه و رونق دستخوش چالش گردید. تا جایی که ضرورت وجود کتابخانه به شکل سنتی آن مورد تردید قرار گرفت. این بی‌مهری در حالی صورت گرفت که زیربنای فن‌آوری جدید هم بر طبقه‌بندی استوار بود. نویسنده در این مقاله از شش جنبه حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی را بررسی و درباره‌ی آنها پیشنهادی ارائه می‌کند. این شش جنبه عبارتند از: اول خاستگاه مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوم جایگاه آن در درخت دانش، سوم تعریف جامع و مانع از این رشته، چهارم دامنه‌ی حضور و نفوذ این رشته، پنجم پیشنهاد نامی برای آن و سرانجام پیشنهاد نام‌هایی برای مشاغلی که این حوزه ملزم به تربیت افراد برای آن مشاغل است. روش پژوهش در این مطالعه استقراء، مطالعه‌ی تطبیقی و تا اندازه‌ای تحلیل محتوا است.

کلیدواژه‌ها: کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانش‌شناسی، طبقه‌بندی، فلسفه، فلسفه‌ی علم، هویت‌شناسی، ابهام در تعریف، بازیابی اطلاعات و دانش، فراعلم



تغییر نام در حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی هر از گاهی به اوج می‌رسد و این حاکی از ضرورت ذاتی نسبت به این امر است و هر چند عده‌ای در مخالفت با آن سعی در رفع و رجوع مسئله می‌کنند و شعله را خاموش می‌نمایند، باز در عصری دیگر و توسط نسلی دیگر زمزمه‌ی مخالفت و یا بیان آرزو و اعتراض شروع می‌شود. این روزها هم در حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی تب تغییر نام بالا گرفته و بر اساس پیشنهادی که توسط بعضی از صاحب‌نظران مطرح شده است، گروهی نسبت به آن عملاً حساسیت نشان داده و نام‌هایی را تأیید و بعضی را رد کرده‌اند. سؤال این است که این اقبال و یا ادبار بر چه اساس متقن و درستی استوار است و از چه مایه و پایه‌ای برخوردار است تا چند صباح دیگر مجدداً مورد نقد و انتقاد قرار نگیرد. در هر حال میزان شرکت‌کننده در این اقتراح دغدغه‌ی ذهنی کتابداران و اطلاع‌رسانان را نشان می‌دهد و ثابت می‌کند که علی‌رغم اظهارات عده‌ای که بر عدم تغییر پای می‌فشرند، گروهی نه چندان اندک بر تغییر اساسی اصرار دارند. قطعاً طرفداران تغییر فقط علاقمند به تغییر نام نیستند و معتقدند که اگر محتوا و مفهوم عوض شود بسیار مناسب‌تر خواهد بود. نگارنده هم معتقد است تا به‌طور اصولی و مبنایی به این رشته نگاه نشود و همچون یک حوزه‌ی رسمی مبنایی و مسائل آن معلوم نگردد، این گونه تلاش‌ها دردی را دوا نمی‌کند.

درباره‌ی هویت کتابخانه و کتابداری و تبیین مبنایی آن بحث‌ها فراوان است و بسیاری از صاحب‌نظران خارجی و داخلی این حوزه تلاش داشته و دارند تا برای آن هویتی درخور بیابند تا همانند بسیاری از حوزه‌های علمی، این رشته بتواند با داشتن مبنایی نظری متقن و ابتناء عمل در آن مبنایی خود را مطرح کند. اما علی‌رغم همه‌ی این تلاش‌ها تا کنون نتوانسته‌اند به تعریفی شایسته و درخور دست یابند (موکهرجی^۱، ۱۳۶۸؛ ابرامی، ۱۳۷۸؛ بهمن‌آبادی، ۱۳۸۱؛ رهادوست، ۱۳۸۶؛ زینس^۲، ۲۰۰۷). حری (۱۳۷۲) با آنکه ظاهراً مخالف تغییر نام است ولی گفتار جالبی دارد که خواندنی است. او با اشاره به گفتار شخصی به نام کپلن که بر حرف "او" بین منطق و روش علمی در نام کتابی خرده گرفته است می‌گوید:

در مطالعات حوزه‌ی اطلاع‌رسانی و عناوین گردهمایی‌های آموزشی و مدارس این حوزه

1. Ajit Kumar Mukherjee

2. Zins

انسان و بازیابی برای توسعه و پیشرفت در زندگی برمی گردد. با این تعریف یکی از مهم ترین زمینه های ظهور و بروز این نیاز به ویژه در سطح علمی، کتابخانه است. اما اگر کتابخانه نباشد و یا به شکل مجازی باشد این علم هم چنان حضور خواهد داشت و به گسترش خود و خدمت به جویندگان دانش و پژوهندگان علم ادامه خواهد داد. البته برخی معتقدند که لازم نیست برای هر علمی موضوعی واحد فرض کنیم، بلکه همین که پاره ای از مسائل در هدف و غایت باهم مشترک باشند برای ایجاد یک حوزه ی علمی کافی است. بدین صورت که کتابداری و اطلاع رسانی هیئت از گزاره هایی است که غایت شان کمک به بازیابی اطلاعات و دانش توسط انسان است. البته خود بازیابی هم غایت کل نیست، بلکه غایت بازیابی پیشرفت و توسعه ی زندگی بشر است.

۳. تعریف

نقد سوم نگارنده به تعریف کتابداری و اطلاع رسانی در وضعیت موجود است که اگر مورد توافق قرار گیرد، می تواند به مقدار زیادی رفع ابهام کند. تعاریف موجود از آن در کتب معتبر و از جمله در اصطلاحنامه ی کتابداری و اطلاع رسانی به زبان فارسی و نیز لاتین نارسا است (سلطانی و راستین، ۱۳۶۵). متفکران در این حوزه همچون نیتکی و موکهرجی و مالتبی^۱ و رابین شاهدان اندکی بر این مدعا هستند. نگارنده معتقد است که تعریف او که به زبان فارسی و لاتین هم چاپ شده است جامع و مانع است و آن عبارت است از (فدائی، ۱۳۸۶):

کتابداری و اطلاع رسانی علم بازیابی و اشاعه ی اطلاعات و دانش است که از شناخت اجمالی و کلی دانش (طبقه بندی) و روابط طولی و عرضی اصطلاحات تخصصی در حوزه های مختلف با توجه به دقت و سرعت و صحت آن بحث می کند.

این تعریف با این کیفیت در جایی دیگر مطرح نشده و یا نگارنده آن را ندیده است. در دنیا از بازیابی و یا ذخیره و بازیابی بسیار سخن گفته شده ولی آن را در تعریف دقیق به این صورت به کار نبرده اند. آنچه می توان بر آن تأکید کرد، این است که در این نظریه کتابداری و اطلاع رسانی در ارتباط با کلیت فرایندهای معرفتی انسان دارای شأن مشخصی شده است و ریشه های اپیستمولوژیک و انتولوژیک (زینس، ۲۰۰۷) آن مورد اشاره قرار گرفته است.

1. Arthur Maltby

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

این تعریف با تعریف سالتون و مک گیل^۱، (ثورنلی و گیب^۲، ۲۰۰۹) هم‌خوانی دارد. آنها بازیابی اطلاعات را چنین تعریف می‌کنند:

بازیابی اطلاعات راجع به بازنمایی، ذخیره، سازماندهی، و دسترسی مواد اطلاعاتی سر و کار دارد.

۴. دامنه‌ی حضور

و اما در مورد دامنه‌ی حضور این رشته باید گفت که نفوذ این رشته بسیار فراتر از وضع فعلی است. کتابداری و اطلاع‌رسانی بر حسب طبیعت خود می‌تواند دست کم در دو حوزه‌ی دیگر دست داشته باشد. به تعبیر دیگر حضور این رشته در عالم نشر از یک طرف و در مدیریت دانش از طرف دیگر می‌تواند کارساز و اثربخش باشد. این نکته را نگارنده در مقاله‌ی خویش به‌طور مشروح بیان کرده است (فدائی، ۲۰۰۹). یورلند^۳ نیز در مقالات متعدد و به‌ویژه در تئوری مفهوم^۴ خود به این امر تصریح دارد (یورلند، ۲۰۰۹).

من با تعریف بورک^۵ (۲۰۰۹) که بازیابی اطلاعات را با اجرای کامل اطلاعات^۶ هماهنگ نمی‌داند موافق نیستم. به نظر می‌رسد وی بازیابی را صرفاً عمل می‌داند و اجرای کامل اطلاعات را از سازمانی می‌خواهد که در مقابلش کاربر است. اما معین نمی‌کند که مگر غیر از این است که سازمان با افراد متخصصی موجودیت می‌یابد که خود یا مستقیماً درگیر بازیابی اطلاعات برای کاربران هستند و یا سازمان را به نحو مطلوبی تغذیه می‌کنند تا کاربران به‌خوبی بتوانند به اطلاعات مورد نظرشان دست یابند. هم‌چنین اینکه زینس (۲۰۰۷) در مطالعه‌ی دلفی خود بیان می‌دارد، علم اطلاع‌رسانی با دو زیرمجموعه‌ی خود یعنی سازمان‌دهی دانش و مدیریت دانش تعارض دارد هم رفع می‌شود. زیرا در تعریف ما علوم بازیابی و اشاعه اطلاعات و دانش جامعیت لازم را برای پوشاندن دو زیرمجموعه‌ی فوق دارد.

۵. نام‌گذاری

همان‌طور که گفته شد کتابخانه موجد تفکر کتابداری و اطلاع‌رسانی نیست، بلکه مولود

1. Salton & McGill
4. concept theory

2. Thornley & Gibb
5 Burke

3. Højrlund
6. information fulfillment

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

دکتر غلامرضا فدائی

دانشیار دانشگاه تهران، گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی

ghfadaie@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۵/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۲۰

چکیده

کتابداری و اطلاع‌رسانی به فقر مبانی نظری مبتلا است. تنها تعویض نام مشکلی را حل نمی‌کند. در واقع، کتابداری نه به لحاظ نام شایسته این رشته است و نه به لحاظ محتوا مطابقتی با مفهوم آن دارد. اگر چه در دنیای غرب با گسترش موج جدید صنعتی و نیاز روز افزون پژوهشگران به یافتن دانش، کتابخانه‌ها به‌عنوان جایگاهی برای عرضه یافته‌های علمی دارای رونقی دوباره شدند، اما با ظهور فن‌آوری اطلاعاتی و قدرت اشاعه‌ی اطلاعات از طریق استفاده از ابزارهای جدید الکترونیکی و نوری این توجه و رونق دستخوش چالش گردید. تا جایی که ضرورت وجود کتابخانه به شکل سنتی آن مورد تردید قرار گرفت. این بی‌مهری در حالی صورت گرفت که زیربنای فن‌آوری جدید هم بر طبقه‌بندی استوار بود. نویسنده در این مقاله از شش جنبه حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی را بررسی و درباره‌ی آنها پیشنهادی ارائه می‌کند. این شش جنبه عبارتند از: اول خاستگاه مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوم جایگاه آن در درخت دانش، سوم تعریف جامع و مانع از این رشته، چهارم دامنه‌ی حضور و نفوذ این رشته، پنجم پیشنهاد نامی برای آن و سرانجام پیشنهاد نام‌هایی برای مشاغلی که این حوزه ملزم به تربیت افراد برای آن مشاغل است. روش پژوهش در این مطالعه استقراء، مطالعه‌ی تطبیقی و تا اندازه‌ای تحلیل محتوا است.

کلیدواژه‌ها: کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانش‌شناسی، طبقه‌بندی، فلسفه، فلسفه‌ی علم، هویت‌شناسی، ابهام در تعریف، بازیابی اطلاعات و دانش، فراعلم



تغییر نام در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی هر از گاهی به اوج می‌رسد و این حاکی از ضرورت ذاتی نسبت به این امر است و هر چند عده‌ای در مخالفت با آن سعی در رفع و رجوع مسئله می‌کنند و شعله را خاموش می‌نمایند، باز در عصری دیگر و توسط نسلی دیگر زمزمه‌ی مخالفت و یا بیان آرزو و اعتراض شروع می‌شود. این روزها هم در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی تب تغییر نام بالا گرفته و بر اساس پیشنهادی که توسط بعضی از صاحب‌نظران مطرح شده است، گروهی نسبت به آن عملاً حساسیت نشان داده و نام‌هایی را تأیید و بعضی را رد کرده‌اند. سؤال این است که این اقبال و یا ادبار بر چه اساس متقن و درستی استوار است و از چه مایه و پایه‌ای برخوردار است تا چند صباح دیگر مجدداً مورد نقد و انتقاد قرار نگیرد. در هر حال میزان شرکت‌کننده در این اقتراح دغدغه‌ی ذهنی کتابداران و اطلاع‌رسانان را نشان می‌دهد و ثابت می‌کند که علی‌رغم اظهارات عده‌ای که بر عدم تغییر پای می‌فشرند، گروهی نه چندان اندک بر تغییر اساسی اصرار دارند. قطعاً طرفداران تغییر فقط علاقمند به تغییر نام نیستند و معتقدند که اگر محتوا و مفهوم عوض شود بسیار مناسب‌تر خواهد بود. نگارنده هم معتقد است تا به‌طور اصولی و مبنایی به این رشته نگاه نشود و همچون یک حوزه‌ی رسمی مبنایی و مسائل آن معلوم نگردد، این گونه تلاش‌ها دردی را دوا نمی‌کند.

درباره‌ی هویت کتابخانه و کتابداری و تبیین مبنایی آن بحث‌ها فراوان است و بسیاری از صاحب‌نظران خارجی و داخلی این حوزه تلاش داشته و دارند تا برای آن هویتی درخور بیابند تا همانند بسیاری از حوزه‌های علمی، این رشته بتواند با داشتن مبنایی نظری متقن و ابتناء عمل در آن مبنایی خود را مطرح کند. اما علی‌رغم همه‌ی این تلاش‌ها تا کنون نتوانسته‌اند به تعریفی شایسته و درخور دست یابند (موکهرجی^۱، ۱۳۶۸؛ ابرامی، ۱۳۷۸؛ بهمن‌آبادی، ۱۳۸۱؛ رهادوست، ۱۳۸۶؛ زینس^۲، ۲۰۰۷). حری (۱۳۷۲) با آنکه ظاهراً مخالف تغییر نام است ولی گفتار جالبی دارد که خواندنی است. او با اشاره به گفتار شخصی به نام کپلن که بر حرف "او" بین منطق و روش علمی در نام کتابی خرده گرفته است می‌گوید:

در مطالعات حوزه‌ی اطلاع‌رسانی و عناوین گردهمایی‌های آموزشی و مدارس این حوزه

1. Ajit Kumar Mukherjee

2. Zins

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

دکتر غلامرضا فدائی

دانشیار دانشگاه تهران، گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی

ghfadaie@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۵/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۲۰

چکیده

کتابداری و اطلاع‌رسانی به فقر مبانی نظری مبتلا است. تنها تعویض نام مشکلی را حل نمی‌کند. در واقع، کتابداری نه به لحاظ نام شایسته این رشته است و نه به لحاظ محتوا مطابقتی با مفهوم آن دارد. اگر چه در دنیای غرب با گسترش موج جدید صنعتی و نیاز روز افزون پژوهشگران به یافتن دانش، کتابخانه‌ها به‌عنوان جایگاهی برای عرضه یافته‌های علمی دارای رونقی دوباره شدند، اما با ظهور فن‌آوری اطلاعاتی و قدرت اشاعه‌ی اطلاعات از طریق استفاده از ابزارهای جدید الکترونیکی و نوری این توجه و رونق دستخوش چالش گردید. تا جایی که ضرورت وجود کتابخانه به شکل سنتی آن مورد تردید قرار گرفت. این بی‌مهری در حالی صورت گرفت که زیربنای فن‌آوری جدید هم بر طبقه‌بندی استوار بود. نویسنده در این مقاله از شش جنبه حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی را بررسی و درباره‌ی آنها پیشنهادی ارائه می‌کند. این شش جنبه عبارتند از: اول خاستگاه مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوم جایگاه آن در درخت دانش، سوم تعریف جامع و مانع از این رشته، چهارم دامنه‌ی حضور و نفوذ این رشته، پنجم پیشنهاد نامی برای آن و سرانجام پیشنهاد نام‌هایی برای مشاغلی که این حوزه ملزم به تربیت افراد برای آن مشاغل است. روش پژوهش در این مطالعه استقراء، مطالعه‌ی تطبیقی و تا اندازه‌ای تحلیل محتوا است.

کلیدواژه‌ها: کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانش‌شناسی، طبقه‌بندی، فلسفه، فلسفه‌ی علم، هویت‌شناسی، ابهام در تعریف، بازیابی اطلاعات و دانش، فراعلم



آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

نیز ما پیوسته علم یا علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی را در کنار هم و با او عطف به کار می‌بریم؛ که در واقع یادآور اشارات کپلن است. کتابداری چیزی جز اطلاع‌رسانی نیست و عطف این دو به یکدیگر منطقی ندارد. از سوی دیگر، چون حوزه‌ی ما در حال تحول و دگردیسی از مرحله‌ای به مرحله‌ی دیگر است، شاید جمع این دو اصطلاح برای حفظ پیوند میان سنت پیشین و نو یافته‌های اخیر برای مدتی بی‌مناسبت نباشد. اما هرگاه این پیوند از نظر مفهومی استوار شد و بیم جدا و متفاوت انگاشتن سنت کهن از میان برخاست، دیگر به کار بردن مستمر آن دو اصطلاح به صورت معطوف در عناوین و اشارات موجه نخواهد بود.

او با آنکه کتابداری و اطلاع‌رسانی را از یک جنس و خمیره می‌داند در عین حال مشخص نمی‌کند که پس از از بین رفتن بیم مورد نظر چه عنوانی را باید برای این رشته به کار برد؟ کتابداری و یا اطلاع‌رسانی؟

آنچه قابل توجه است، این است که نام با تعریف ارتباط تنگاتنگی دارد. بدون تعریف دقیق و شفاف نمی‌توان نامی مناسب انتخاب کرد و نام مناسب هم باید از خصلت‌های ذاتی مسمما خبر دهد. در کتابداری به نظر می‌رسد هم مشکل تعریف وجود دارد و هم مشکل نام‌گذاری. این مسئله اگر چه در کشورها و ملیت‌های مختلف اندکی با هم فرق می‌کند ولی در مجموع مشکلی است که در همه‌ی کشورها دامن این حوزه را گرفته است. برای بحث در این مورد لازم است تا مقداری درباره‌ی تعریف (حد) و اسم و مسمما بحث شود.

تعریف (حد) و نام‌گذاری

دشواری تعریف و حد در نظر منطق‌دانان و فلاسفه دارای ابعاد گوناگونی است. عده‌ای آن را به تعریف حقیقی و مفهومی تقسیم می‌کنند. تعریف حد را به معنای حقیقی دشوار ولی به معنای مفهومی آن آسان دانسته‌اند. از افراد فراوانی که در این مورد کار کرده و نظر داده‌اند می‌توان از ابن سینا، ابوالبرکات بغدادی و شیخ اشراق نام برد که نظرات آنان به طور مختصر در این جا آورده می‌شود.

عسکری سلیمانی (۱۳۸۳) می‌گوید: در واقع اسم برای مسمائی است که از آن شناخت داریم. میزان شناخت ما از مسمما تشکیل دهنده‌ی حد مسمما است. هر مسمائی دارای صفاتی است که آن را از دیگر مسمیات جدا می‌کند. هر موجودی دارای صفات ذاتی و نیز عرضی است. صفات ذاتی آن است که بدون آن پدیده موجودیت خود را از دست می‌دهد. اما صفات عرضی

اگر چه گاه لازم است، ولی بدون آن هم می توان از پدیده یاد کرد. صفات ذاتی در برابر صفات عرضی است. همان طور که در تعریف از ذاتیات می توان استفاده کرد از عرضیات هم می توان استفاده کرد. مثل تعریف انسان به حیوان ناطق یا انسان به حیوان ضاحک، عرض یا لازم است یا مفارق و عرض لازم یا بین است و یا غیر بین؛ بین آن است که شیئی به صورت بدیهی و بی نیاز از استدلال معلوم باشد. در منطق گفته اند تعریف باید از عرض لازم بین تالیف شود. زیرا در غیر این صورت معرف را از ابهام بیرون نمی آورد.

ضابطه‌ی اسم و مسما نزد سهروردی و بغدادی

شیخ اشراق، سهروردی، در حکمه الاشراق (۱۳۷۷) می گوید:

باید تعریف به اموری روشن تر و شناخته تر از معرف باشد و روا نیست که معرف با معرف برابر باشد و نه پنهان و مخفی تر و نیز روا نباشد که معرف از چیزهایی بود که خود شناخته نشود مگر به آنکه معرف بدان شناخته شود (ص ۲۷).

او در نقد نظریه‌ی تعریف مشائی ضابطه‌ای برای اسم و مسما ارائه می دهد و می گوید (عسکری امیری، ۱۳۸۳):

در محسوسات هر گاه کسی برای جسم مثلاً چیزی را اثبات کند و بعضی در آن تشکیک کنند و بعضی انکار نمایند آن چیز در نزد عموم مردم از اجزای مفهومی مسما به حساب نمی آید، بلکه اسم جز برای مجموع لوازم تصور مسما وضع شده است. طبق این نظریه، می توان گفت: آب یعنی جسم روان بی رنگ و بو، بارد و بالطبع رافع تشنگی و... خصوصیات که در هر آبی ظاهر است و آب برای این خصوصیات وضع شده است.

صعوبت حد حقیقی و سهولت حد مفهومی

از نظر بغدادی - حد در منطق تفسیر لغات و تعریف معانی الفاظ است. در حالی که شیخ اشراق به دو نوع حد قائل است. حد مفهومی و حد حقیقی^۱. او وصول به حد حقیقی را دشوار

۱. مظفری (۱۳۶۱) گوید: تعریف به معنای شناساندن و در اصطلاح منطقی بر دو قسم است: حقیقی و لفظی. و هر یک بر دو قسم اند: تام و ناقص. تعریف لفظی که به آن شرح الاسم هم می گویند عبارت از بیان کردن لفظی که معنای آن نزد مخاطب مجهول است با لفظ دیگری که در نزد او معلوم است (ص ۳۶-۳۷). هم چنین وی (۱۳۶۱) ←

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

بلکه ممتنع می‌داند - اختلاف در این زمینه بین منطق‌دانان و فلاسفه بسیار است (فخر رازی، ۱۳۸۱؛ عسکری امیری، ۱۳۸۳). پس از شیخ‌الرئیس، بغدادی استدلال او را رد می‌کند و نظر شیخ را به نقد می‌کشد و سهولت حد را تجویز می‌کند. شیخ اشراق هم سهولت حد مفهومی را بر حد حقیقی ترجیح می‌دهد.

در نزد غزالی هم اول باید به تقرر معانی راه یافت، سپس الفاظ را تابع معانی نمود (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۵). او هم به صعوبت رسیدن به حد حقیقی معترف است.

در هر حال دو نظریه می‌پذیرند که نام‌گذارنده اسم را بر مسما به مقدار آگاهی‌های در نظر گرفته شده از مسما قرار می‌دهد (عسکری امیری، ۱۳۸۳). با این تفاوت که در نظر شیخ اشراق اسم بر مسما به میزان آگاهی که از مسما ظاهر است قرار داده می‌شود. از این رو اختلاف در اجزای یک شیء دلیل بر آن است که مورد اختلاف جزو مفهوم آن شیء به حساب نمی‌آید. اما بغدادی می‌گوید میزان آگاهی ممکن است برای مسما ظاهر و روشن باشد یا از راه کشف علمی معلوم شده باشد. از این رو بغدادی نتیجه می‌گیرد حدود به سبب اختلاف در آگاهی‌ها متفاوت می‌شوند. معانی بسیط برای وجودهای بسیط و معانی مرکب برای وجودهای مرکب. می‌توان فرض کرد نام‌گذاری کاملاً قراردادی است، به گونه‌ای که اسم به ازای ویژگی‌های در نظر گرفته شده ذکر می‌شوند.

بغدادی در خصوص اسم‌هایی که بیان وصف و حالتی هستند یعنی مشتق‌ها و مبداً اشتقاق‌شان و نیز اسم‌هایی که معنای مشتق می‌دهند می‌گوید: همان‌گونه که نام‌گذارنده آنچه را که می‌شناسد و از آن جهت که می‌شناسد نام می‌گذارد، حدآورنده نیز حد چیزی را که نام‌گذاری کرده و از آن جهتی که نام‌گذاری کرده است می‌آورد (عسکری امیری، ۱۳۸۳).

→ گوید: معرف بر دو قسم است: حد و رسم و هر یک نیز بر دو قسم است: تام و ناقص. اگر در تعریف فصل قریب اخذ شود آن را حد گویند و اگر خاصه اخذ شود آن را رسم گویند. اگر با فصل قریب جنس قریب هم اخذ شود آن را حد تام گویند مثل اینکه در تعریف انسان گفته شود حیوان ناطق. اگر با فصل قریب جنس بعید ذکر شود و یا فقط به فصل اکتفا شود آن را حد ناقص گویند مثل اینکه در تعریف انسان گفته شود جسم نامی ناطق و یا فقط ناطق. اگر با خاصه جنس قریب اخذ شود آن را رسم تام گویند مثلاً در تعریف انسان گفته شود حیوان ضاحک. و اگر با خاصه جنس بعید اخذ شود و یا فقط به خاصه اکتفا شود به آن رسم ناقص گویند مثل اینکه در تعریف انسان گفته شود جسم نامی ضاحک و یا فقط ضاحک. گاه تعریف به مثال باشد مثل اینکه گفته شود علم مثل نور است (ص ۱۴۷-۱۴۹).

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، این است که حد و اسم باهم ارتباط ناگسستنی دارند. ممکن است ما مواردی داشته باشیم که اسم هیچ گونه رابطه‌ای با مسما نداشته باشد، اما این موارد همواره کاربران را دچار گرفتاری می‌کند. علاوه بر اسم در القاب و کنیه‌ها هم این مسئله رعایت می‌شود. در مورد آدم‌ها، کنیه‌ها گاه به‌خاطر احترام و گاه به‌خاطر تحقیراند و این ربطی به ماهیت وجودی و عملکردی افراد که بخشی از تعریف واقعی آنان را تشکیل می‌دهد ندارد. عسکری امیری (۱۳۸۳) در مقاله‌ی خود نتیجه‌گیری می‌کند:

که نام‌گذاری اسم‌های عام بدون تصور مسما، هر چند به واسطه‌ی لوازم و آثار آنها، ممکن نیست. نام‌گذاری اسم بر مسما اگرچه منطقاً ممکن است به میزان معانی در نظر گرفته شده از مسما باشد و تعریف مسما نیز بر اساس آن تنظیم شود، اما مردم عملاً همه‌ی اسامی عام را بر این اساس بر مسما وضع نمی‌کنند. و نیز اطلاق و به‌کارگیری اسم بر مسما اگرچه ممکن است بر اساس نام‌گذاری و به‌میزانی که در نام‌گذاری در نظر گرفته باشند، ولی در خارج چنین نیست (ص ۱۱۰-۱۰۹).

در واقع، برای بحث درباره‌ی هر موضوعی شناخت و تعریفی از آن لازم است. حتی کسانی که تعریف ارسطویی را در زمان حال جوابگو نمی‌دانند هم بر ضرورت وجود تعریف برای مطالعه‌ی هر موضوعی اذعان دارند (یثربی، ۱۳۸۶). فرومان^۱ (۲۰۰۹) به سه ضرورت برای توجه به تعریف اشاره می‌کند. یکی ضرورت ابزاری برای استفاده‌ی کاری، دوم توجه به ویژگی‌های ذاتی شیئی برای تعریف براساس آنچه جان استوارت میل گفته است و سوم توجه به جنبه‌ی پراگماتیک و زبانی هر پدیده با توجه به آموزه‌های ویتگنشتاین. او به‌هر حال توجه دارد که در صورت نبودن "تعریف" ارتباطات انسانی به اغتشاش و درهم‌برهمی می‌گشود. اکنون در حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی سؤال این است که آیا تعریف کتابداری بر فرض وجود و اتفاق نظر بر آن از ذاتیات سخن می‌گوید و یا بر عرضیات و آن هم بر عرضیات بین و لازم دلالت دارد تا بر اساس آن بتوان نام درستی که بیانگر ویژگی‌های مسما است داشته باشد؟

در واقع، نام کتابداری و اطلاع‌رسانی هیچ یک بیانگر ذاتیات و یا به احتمال قوی

1. Bernd Frohmann

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

عرضیات^۱ این رشته نیستند. زیرا کتابداری اگر بر سیاق خانه‌داری و یا دهداری و یا شهرداری در نظر گرفته شود همانند همتایان خود نمی‌تواند بیان مقصود کند. خانه‌دار خانه با همهی خصوصیاتش در اختیار اوست و همین‌طور دهدار و شهردار در واقع، ده و شهر را در اختیار دارند. اما کتابدار فقط کتاب در اختیار او نیست، زیرا هر آدم باسوادى ممکن است کتاب در نزد او باشد و اگر مجموعه‌ی کتاب را هم در نظر بگیریم مخزن (انبار) دار کتاب و یا کتاب‌فروش هم کتاب در اختیار اوست و لفظ کتابدار نمی‌تواند در بین این مفاهیم مشترک مقصود اصلی که کتابداری مدعی آن است را برساند. اگر کتابداری را کتابدار به‌علاوه یای نسبت بگیریم باز همین مشکل وجود دارد، زیرا هنوز بر سر اینکه کتابدار چه کسی و یا چه وظیفه‌ای دارد تفاهم نشده است. در اطلاع‌رسانی هم مشکل وجود دارد و رساندن اطلاع با هر مفهومی که از اطلاع در نظر داشته باشیم نمی‌تواند بیانگر وظیفه‌ی اختصاصی این رشته باشد. مدعیان دیگری از جمله متخصصان مخابرات و ارتباطات و رایانه‌وران ممکن است مدعیان پر و پا قرص این مسئله باشند.

اگر گفته شود واضعان این نام بر حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی بدون در نظر گرفتن تناسب نام با تعریف به چنین امری اقدام کرده‌اند و هر کس می‌خواهد با این مسئله آشنا شود لازم است تعریف قراردادی پیشگامان این حوزه را بنگرد و بخواند و ربط آن را خود دریابد، تازه اول مسئله است و مشکل هم‌چنان بر جای خود باقی است.

بنابراین یا باید قائل به ربط نشد و صرف وجود لفظ کتاب در کتابداری، آن را بیانگر اهداف و وظایف این حوزه دانست و یا باید به فکر چاره بود و در این راه همت گماشت و از اقبال و یا ادبار هم نهراسید. در بسیاری از اوقات ممکن است در آغاز نامی ناآشنا و نامناسب جلوه کند ولی به مرور زمان و در نسل‌های بعد مورد توجه قرار گیرد.

با این مقدمه نگارنده بر آن است تا به‌طور مبنایی مسئله را بازکاوی کند و نه فقط نام بلکه محتوا و رسالت این حوزه را مورد بازبینی قرار دهد و پیشنهادهای خود را عرضه دارد.

هدف

هدف نگارنده در این مقاله این است که از شش جنبه حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی را

۱. بخشی از کار اطلاع‌رسانی یا مدیریت دانش اگر به کتاب و کتابخانه هم برگردد ظاهراً عرض قریب هم نیست.

بررسی و درباره‌ی آنها پیشنهادی ارائه کند. این شش جنبه عبارتند از: اول خاستگاه مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوم جایگاه آن در درخت دانش، سوم تعریف جامع و مانع از این رشته، چهارم دامنه‌ی حضور و نفوذ این رشته، پنجم پیشنهاد نامی برای آن و سرانجام پیشنهاد نام برای مشاغلی که این رشته عهده‌دار تربیت نیرو برای آن است. روش پژوهش در این مطالعه استقراء، مطالعه‌ی تطبیقی و تا اندازه‌ای تحلیل محتوا است.

۱. خاستگاه

در قسمت اول نگارنده معتقد است که مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی مولود کتابخانه نیست، بلکه بوجود آورنده‌ی آن است (فدائی، ۱۳۸۶). او این مطلب را به تفصیل در مقاله‌ی کتابداری در جست‌وجوی هویتی نو بیان کرده است. توضیح اینکه در اکثر منابع آمده است که علم و یا فن کتابداری مولود کتابخانه است (سینق^۱، ۱۳۷۳)^۲. به این معنی که پس از ظهور و حضور کتابخانه، کتابداری بوجود آمده است و همین‌طور اطلاع‌رسانی را مولود تحول صنعتی و الکترونیکی عصر حاضر می‌دانند. درحالی‌که اگر بدقت بنگریم این مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی بوده است که موجب پدید آمدن کتابخانه شده و همین‌طور نیاز انسان به اطلاعات بوده است که باعث تحول شگرف در امر اطلاع‌رسانی گشته است. به تعبیر دیگر، انسان از آغاز زندگی خود می‌آموزد و به‌محض آموختن و کسب اطلاع، آن را در حافظه بایگانی می‌کند تا آن را بازبایی و از آن در جهت مصارف زندگی خویش استفاده نماید. علت اصلی اشکال به‌زعم نگارنده این است که در جهان ضرورت نیاز به دانش کتابداری را از ضرورت وجود کتابخانه وام گرفته‌اند. درحالی‌که کتابخانه خود حاصل و معلول نیازمندی انسان به بازبایی از طریق طبقه‌بندی دانش‌ها برای پیشرفت در امور است (فدائی، ۱۳۸۶). یعنی به‌جای اینکه نیاز انسان اعم از عادی و یا دانشمند به بازبایی و برای رسیدن به آن استفاده از طبقه‌بندی دانش مبنای پیدایش علم کتابداری و اطلاع‌رسانی باشد، ایجاد کتابخانه که خود معلول این نیاز است موجب پیدایش این علم تلقی شده است. به‌ناچار، گاه هم نام‌گذاری غلط از آب درآمده است و هم

1. Mohinder Singh

۲. در سرفصل‌های درس مبانی کتابداری مصوب شورای برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی اگر بنگرید کم‌تر اثری از مباحث بنیانی راجع به این حوزه می‌یابید. در آنجا عمدتاً به تاریخچه می‌پردازند که در درس‌های دیگر از جمله مقدمات کتابداری تدریس می‌شود.

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

عده‌ای در بیان هدف به بی‌راهه رفته‌اند و کتابداری را حرفه خوانده‌اند (راینسون^۱، ۲۰۰۹) و کارکرد آن را صرفاً خدمت به اجتماع دانسته‌اند که هدفی جز تأمین رضایت مراجعه‌کنندگان ندارد. در این هم ثابت قدم نمانده‌اند و به جای آنکه آن را در حوزه و زمره‌ی علوم اجتماعی بدانند گاه، آن را به علوم تربیتی، هنر، تاریخ، ادبیات و مانند آن متصل نموده‌اند.

گرفتاری‌های مفهومی موجود در کتابداری و اطلاع‌رسانی مربوط به زمان حال نیست. از آنجایی که گرفتاری آن ذاتی است سابقه موضوعات فوق در جهان و ایران طولانی است. بسیاری از متفکران داخلی و خارجی در این باره اظهار نظر کرده‌اند. متفکران این حوزه از طریق جست‌وجو در مفهوم اطلاع و اهمیت آن تلاش دارند تا تعریفی جدید برای این حوزه بیابند. مثلاً پیرس باتلر^۲، جس شرا^۳، مارگارت ایگان^۴، جان باد^۵، برند فرومان، مایکل باکلند^۶، رافائل کاپورو^۷ و لوجیانو فلورییدی^۸ در خارج از ایران در این باره مطالبی دارند (رهادوست، ۱۳۸۶؛ بهمن آبادی، ۱۳۸۱؛ خندان، ۱۳۸۶). در ایران جلال مساوات در این باره اظهار نظر کرده است. ابرامی هم تعبیر دانش‌شناسی را برای این حوزه پیشنهاد کرده است. تأسیس نشریه‌های جدیدی به نام اطلاع‌شناسی و یا دانش‌شناسی در کشور تلاشی در این باره است. نگارنده در مقاله‌ی قبلی خود که در سال گذشته در کنفرانس بین‌المللی "اطلاع‌رسانی و تکنولوژی اطلاعات" در وارنا، بلغارستان ارائه و در مجله‌ای به همین نام چاپ شد، نام دانش‌شناسی و اطلاع‌رسانی را برای این رشته پیشنهاد کرده بود. ولی در مقاله‌ای که در سال ۲۰۰۹ به کنفرانسی که در امریکا برگزار شد ارائه نمود و در شماره‌ی ۶ آن مجله^۹ چاپ شد آن را به علم (وفن) بازیابی اطلاعات تغییر و پیشنهاد داده است. اما نظر فعلی او قدری تغییر کرده و آن را به رشته‌ی علوم بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش (عباد) تغییر داده است.^{۱۰} در این تعریف کارکرد اصلی این حوزه بازیابی و اشاعه‌ی اطلاع و دانش معرفی شده است.

لازم به ذکر است که فرد شاپیرو (۱۳۷۸) در مقاله‌ای با عنوان «ابداع و تکامل اصطلاح علم اطلاع‌رسانی» مراحل تطور علم اطلاع‌رسانی را ذکر کرده است. راینسون (۲۰۰۹) از نام‌های

1. Lyn Robinson

2. Pierce Butler

3. Jesse Shera

4. Margaret Elizabeth Egan

5. John Budd

6. Michael Buckland

7. Rafael capurro

8. Luciano Floridi

9. Issues in Information Science and Information Technology

۱۰. معادل انگلیسی آن می‌شود:

Sciences of Retrieval and Dissemination of Information / Knowledge (SRDI/K)

گوناگون برای این رشته مانند فراعلم^۱، میان علم^۲، علم پست مدرن، علم برتر^۳، علم بلاغی^۴، علم تحیر^۵ (نماد)، هنر آزاد^۶، و علم دانش^۷ و یا شاید دانش‌شناسی و مانند آن که هر یک توسط متفکری پیشنهاد شده است نام برده است.

اولین مفهوم کتابخانه به حافظه‌ی انسان و اولین مفهوم کتابداری به فرایند بیداد و بخاطر آوردن اندوخته‌های ذهنی برای استفاده از آن برمی‌گردد. اگرچه توجه به بازیابی در تعاریف فراوان آمده و یا مفهوم ذخیره و بازیابی با هم زیاد مطرح بوده است ولی با چنین تفصیلی شاید برای اولین بار مطرح می‌شود. بنابراین مبنای این تفکر به اصل معرفت و چگونگی شکل‌گیری و ضرورت ذخیره‌ی آن به منظور بازیابی و اشاعه برمی‌گردد و اینکه در این حالت این مفهوم در وهله‌ی اول ربطی به کتابخانه به معنای فیزیکی آن و یا تکنولوژی اطلاعات ندارد. در این تعریف کتابخانه به عنوان بزرگ‌ترین نماد این ضرورت و فن‌آوری ابزاری، برای هرچه بهتر انجام دادن این وظیفه مطرح می‌شود. با این دیدگاه جایگاه کتابداری و اطلاع‌رسانی کاملاً عوض می‌شود و در درخت علم جایگاه آن در فراعلم^۸ و در کنار معرفت‌شناسی قرار می‌گیرد. به این معنی به محض اینکه انسان اطلاعی را کسب کرد در حفظ و بایگانی آن می‌کوشد و به نوعی آن را طبقه‌بندی می‌کند تا به هنگام ضرورت و لزوم آن را بازیابی کند و از آن استفاده نماید. در واقع اولین کتابخانه حافظه آدمی است. بر این نکته زینس (۲۰۰۷) هم اشاره دارد.

در شماره‌ی ۷۲ مجله‌ی فصلنامه‌ی کتاب که توسط کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران منتشر می‌شود، مقاله‌ای به نام "کتابداری و اطلاع‌رسانی در جست‌وجوی هویتی نو" و نیز سه مقاله‌ی انگلیسی که یکی از آنها در کنفرانس "علوم اطلاعات و علوم فن‌آوری" در ماه ژوئن ۲۰۰۹ در آمریکا برگزار شده است، نگارنده به طور مبسوط پیشنهادهای خود را ارائه کرده است.

۲. جایگاه کتابداری و اطلاع‌رسانی در درخت علم

با توجه به این نظریه جایگاه حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی از وابستگی به بعضی

1. meta science

2. inter science

3. superior science

4. rhetorical science

5. nomad science

6. liberal art

7. knowledge science

۸. فراعلم در این جا هم به معنای علمی است که ورای همه‌ی علوم است و یا جنبه‌ی مقدماتی و ابزاری برای همه‌ی علوم دیگر دارد.

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

رشته‌ها آزاد می‌شود و همان‌طور که زینس هم در پژوهش‌های خویش به آن رسیده است در برترین جایگاه یعنی فراعلم قرار می‌گیرد. زیرا بر اساس این پیش‌فرض بازیابی اطلاعات و دانش دقیقاً در کنار معرفت‌شناسی^۱ و علم قرار دارد. انسان به‌محض فراگیری به‌فکر اندوخته کردن برای بازیابی و استفاده‌ی بهینه از آن می‌افتد^۲. زینس (۲۰۰۷) هم جایگاه علم اطلاع‌رسانی و نیز کتابداری را در درخت دانش در کنار معرفت‌شناسی و همتایان آن قرار داده است. شاید او هم معتقد است که اطلاع و دانش به قصد بازیابی آن اخذ و ذخیره می‌شود. در این صورت ما به‌محض معرفت نسبت به چیزی آن را ذخیره می‌کنیم تا بعداً بازیابی‌اش نماییم.

در این نظریه نگارنده مدعی است که در وضعیت فعلی مبنای تعریف این رشته از شروع کار کتابخانه است و به نظر وی از نقطه‌ی نامطلوبی آغاز شده است. به این معنی که کتابداری نوین از مغرب زمین آغاز شده و تعریف آن بر اثر فزونی گرفتن حجم کتاب و اسناد در کتابخانه‌ها که بعداً به انفجار اطلاعات تعبیر شد نشأت گرفته است. به دیگر سخن، کتابداری و اطلاع‌رسانی جدید مخلوق کتابخانه است. در حالی که نظریه پیشنهادی جدید تفکر کتابداری و اطلاع‌رسانی را ناشی از نیاز فطری انسان به بازیابی اطلاعات برای توسعه و پیشرفت در همه‌ی ابعاد زندگی می‌داند. در نتیجه کتابخانه نه تنها موجد رشته‌ی کتابداری نیست، بلکه مخلوق این نوع تفکر است و در واقع کتابخانه حاصل نیاز انسان به بازیابی اطلاعات است و به‌عنوان بزرگ‌ترین نماد این تفکر اصیل و فطری انسان تلقی می‌گردد. بنابراین وقتی روابط بین مفاهیم و موضوعات با تلاش پیگیر شفاف و پیراسته شود، کار اطلاع‌رسانی به مقدار وسیعی صورت گرفته است. مشکل بازیابی در جهان امروز همین مسئله است. و نیز همان‌طور که از نظر فلسفی هر علمی باید دارای مبانی، موضوع، مسائل و اهداف خاص باشد، با این پیشنهاد موضوع این علم یعنی بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش و مسائل آن عمده‌تاً بررسی روابط بین حوزه‌های مختلف دانش، خواه به‌صورت طولی و خواه به‌صورت عرضی از جمله طبقه‌بندی علوم است. مبانی معمولاً شامل گزاره‌هایی است توصیفی که بر پایه‌های هستی‌شناختی و یا معرفت‌شناختی و یا انسان‌شناختی استوار است. در این جا هم بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش به معرفت‌شناسی

۱. اصولاً معرفت تا به‌منظور بازیابی طبقه‌بندی نشود قابل تحلیل و اصلاً جزو معرفت قابل انتقال نیست.

۲. نگارنده در طرح طبقه‌بندی دودویی خود (طرح در دست اجرا) به تفصیل در این باره بحث کرده و جایگاه این حوزه را در کنار معرفت‌شناسی قرار داده است.

انسان و بازیابی برای توسعه و پیشرفت در زندگی برمی گردد. با این تعریف یکی از مهم ترین زمینه های ظهور و بروز این نیاز به ویژه در سطح علمی، کتابخانه است. اما اگر کتابخانه نباشد و یا به شکل مجازی باشد این علم هم چنان حضور خواهد داشت و به گسترش خود و خدمت به جویندگان دانش و پژوهندگان علم ادامه خواهد داد. البته برخی معتقدند که لازم نیست برای هر علمی موضوعی واحد فرض کنیم، بلکه همین که پاره ای از مسائل در هدف و غایت باهم مشترک باشند برای ایجاد یک حوزه ی علمی کافی است. بدین صورت که کتابداری و اطلاع رسانی هیئت از گزاره هایی است که غایت شان کمک به بازیابی اطلاعات و دانش توسط انسان است. البته خود بازیابی هم غایت کل نیست، بلکه غایت بازیابی پیشرفت و توسعه ی زندگی بشر است.

۳. تعریف

نقد سوم نگارنده به تعریف کتابداری و اطلاع رسانی در وضعیت موجود است که اگر مورد توافق قرار گیرد، می تواند به مقدار زیادی رفع ابهام کند. تعاریف موجود از آن در کتب معتبر و از جمله در اصطلاحنامه ی کتابداری و اطلاع رسانی به زبان فارسی و نیز لاتین نارسا است (سلطانی و راستین، ۱۳۶۵). متفکران در این حوزه همچون نیتکی و موکهرجی و مالتبی^۱ و رابین شاهدان اندکی بر این مدعا هستند. نگارنده معتقد است که تعریف او که به زبان فارسی و لاتین هم چاپ شده است جامع و مانع است و آن عبارت است از (فدائی، ۱۳۸۶):

کتابداری و اطلاع رسانی علم بازیابی و اشاعه ی اطلاعات و دانش است که از شناخت اجمالی و کلی دانش (طبقه بندی) و روابط طولی و عرضی اصطلاحات تخصصی در حوزه های مختلف با توجه به دقت و سرعت و صحت آن بحث می کند.

این تعریف با این کیفیت در جایی دیگر مطرح نشده و یا نگارنده آن را ندیده است. در دنیا از بازیابی و یا ذخیره و بازیابی بسیار سخن گفته شده ولی آن را در تعریف دقیق به این صورت به کار نبرده اند. آنچه می توان بر آن تأکید کرد، این است که در این نظریه کتابداری و اطلاع رسانی در ارتباط با کلیت فرایندهای معرفتی انسان دارای شأن مشخصی شده است و ریشه های اپیستمولوژیک و انتولوژیک (زینس، ۲۰۰۷) آن مورد اشاره قرار گرفته است.

1. Arthur Maltby

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

این تعریف با تعریف سالتون و مک گیل^۱، (ثورنلی و گیب^۲، ۲۰۰۹) هم‌خوانی دارد. آنها بازیابی اطلاعات را چنین تعریف می‌کنند:

بازیابی اطلاعات راجع به بازنمایی، ذخیره، سازماندهی، و دسترسی مواد اطلاعاتی سر و کار دارد.

۴. دامنه‌ی حضور

و اما در مورد دامنه‌ی حضور این رشته باید گفت که نفوذ این رشته بسیار فراتر از وضع فعلی است. کتابداری و اطلاع‌رسانی بر حسب طبیعت خود می‌تواند دست کم در دو حوزه‌ی دیگر دست داشته باشد. به تعبیر دیگر حضور این رشته در عالم نشر از یک طرف و در مدیریت دانش از طرف دیگر می‌تواند کارساز و اثربخش باشد. این نکته را نگارنده در مقاله‌ی خویش به‌طور مشروح بیان کرده است (فدائی، ۲۰۰۹). یورلند^۳ نیز در مقالات متعدد و به‌ویژه در تئوری مفهوم^۴ خود به این امر تصریح دارد (یورلند، ۲۰۰۹).

من با تعریف بورک^۵ (۲۰۰۹) که بازیابی اطلاعات را با اجرای کامل اطلاعات^۶ هماهنگ نمی‌داند موافق نیستم. به نظر می‌رسد وی بازیابی را صرفاً عمل می‌داند و اجرای کامل اطلاعات را از سازمانی می‌خواهد که در مقابلش کاربر است. اما معین نمی‌کند که مگر غیر از این است که سازمان با افراد متخصصی موجودیت می‌یابد که خود یا مستقیماً درگیر بازیابی اطلاعات برای کاربران هستند و یا سازمان را به نحو مطلوبی تغذیه می‌کنند تا کاربران به‌خوبی بتوانند به اطلاعات مورد نظرشان دست یابند. هم‌چنین اینکه زینس (۲۰۰۷) در مطالعه‌ی دلفی خود بیان می‌دارد، علم اطلاع‌رسانی با دو زیرمجموعه‌ی خود یعنی سازمان‌دهی دانش و مدیریت دانش تعارض دارد هم رفع می‌شود. زیرا در تعریف ما علوم بازیابی و اشاعه اطلاعات و دانش جامعیت لازم را برای پوشاندن دو زیرمجموعه‌ی فوق دارد.

۵. نام‌گذاری

همان‌طور که گفته شد کتابخانه موجد تفکر کتابداری و اطلاع‌رسانی نیست، بلکه مولود

1. Salton & McGill
4. concept theory

2. Thornley & Gibb
5 Burke

3. Højrlund
6. information fulfillment

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

دکتر غلامرضا فدائی

دانشیار دانشگاه تهران، گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی

ghfadaie@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۵/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۲۰

چکیده

کتابداری و اطلاع‌رسانی به فقر مبانی نظری مبتلا است. تنها تعویض نام مشکلی را حل نمی‌کند. در واقع، کتابداری نه به لحاظ نام شایسته این رشته است و نه به لحاظ محتوا مطابقتی با مفهوم آن دارد. اگر چه در دنیای غرب با گسترش موج جدید صنعتی و نیاز روز افزون پژوهشگران به یافتن دانش، کتابخانه‌ها به‌عنوان جایگاهی برای عرضه یافته‌های علمی دارای رونقی دوباره شدند، اما با ظهور فن‌آوری اطلاعاتی و قدرت اشاعه‌ی اطلاعات از طریق استفاده از ابزارهای جدید الکترونیکی و نوری این توجه و رونق دستخوش چالش گردید. تا جایی که ضرورت وجود کتابخانه به شکل سنتی آن مورد تردید قرار گرفت. این بی‌مهری در حالی صورت گرفت که زیربنای فن‌آوری جدید هم بر طبقه‌بندی استوار بود. نویسنده در این مقاله از شش جنبه حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی را بررسی و درباره‌ی آنها پیشنهادی ارائه می‌کند. این شش جنبه عبارتند از: اول خاستگاه مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوم جایگاه آن در درخت دانش، سوم تعریف جامع و مانع از این رشته، چهارم دامنه‌ی حضور و نفوذ این رشته، پنجم پیشنهاد نامی برای آن و سرانجام پیشنهاد نام‌هایی برای مشاغلی که این حوزه ملزم به تربیت افراد برای آن مشاغل است. روش پژوهش در این مطالعه استقراء، مطالعه‌ی تطبیقی و تا اندازه‌ای تحلیل محتوا است.

کلیدواژه‌ها: کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانش‌شناسی، طبقه‌بندی، فلسفه، فلسفه‌ی علم، هویت‌شناسی، ابهام در تعریف، بازیابی اطلاعات و دانش، فراعلم



تغییر نام در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی هر از گاهی به اوج می‌رسد و این حاکی از ضرورت ذاتی نسبت به این امر است و هر چند عده‌ای در مخالفت با آن سعی در رفع و رجوع مسئله می‌کنند و شعله را خاموش می‌نمایند، باز در عصری دیگر و توسط نسلی دیگر زمزمه‌ی مخالفت و یا بیان آرزو و اعتراض شروع می‌شود. این روزها هم در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی تب تغییر نام بالا گرفته و بر اساس پیشنهادی که توسط بعضی از صاحب‌نظران مطرح شده است، گروهی نسبت به آن عملاً حساسیت نشان داده و نام‌هایی را تأیید و بعضی را رد کرده‌اند. سؤال این است که این اقبال و یا ادبار بر چه اساس متقن و درستی استوار است و از چه مایه و پایه‌ای برخوردار است تا چند صباح دیگر مجدداً مورد نقد و انتقاد قرار نگیرد. در هر حال میزان شرکت‌کننده در این اقتراح دغدغه‌ی ذهنی کتابداران و اطلاع‌رسانان را نشان می‌دهد و ثابت می‌کند که علی‌رغم اظهارات عده‌ای که بر عدم تغییر پای می‌فشرند، گروهی نه چندان اندک بر تغییر اساسی اصرار دارند. قطعاً طرفداران تغییر فقط علاقمند به تغییر نام نیستند و معتقدند که اگر محتوا و مفهوم عوض شود بسیار مناسب‌تر خواهد بود. نگارنده هم معتقد است تا به‌طور اصولی و مبنایی به این رشته نگاه نشود و همچون یک حوزه‌ی رسمی مبنایی و مسائل آن معلوم نگردد، این گونه تلاش‌ها دردی را دوا نمی‌کند.

درباره‌ی هویت کتابخانه و کتابداری و تبیین مبنایی آن بحث‌ها فراوان است و بسیاری از صاحب‌نظران خارجی و داخلی این حوزه تلاش داشته و دارند تا برای آن هویتی درخور بیابند تا همانند بسیاری از حوزه‌های علمی، این رشته بتواند با داشتن مبنایی نظری متقن و ابتناء عمل در آن مبنایی خود را مطرح کند. اما علی‌رغم همه‌ی این تلاش‌ها تا کنون نتوانسته‌اند به تعریفی شایسته و درخور دست یابند (موکهرجی^۱، ۱۳۶۸؛ ابرامی، ۱۳۷۸؛ بهمن‌آبادی، ۱۳۸۱؛ رهادوست، ۱۳۸۶؛ زینس^۲، ۲۰۰۷). حری (۱۳۷۲) با آنکه ظاهراً مخالف تغییر نام است ولی گفتار جالبی دارد که خواندنی است. او با اشاره به گفتار شخصی به نام کپلن که بر حرف "او" بین منطق و روش علمی در نام کتابی خرده گرفته است می‌گوید:

در مطالعات حوزه‌ی اطلاع‌رسانی و عناوین گردهمایی‌های آموزشی و مدارس این حوزه

1. Ajit Kumar Mukherjee

2. Zins

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

دکتر غلامرضا فدائی

دانشیار دانشگاه تهران، گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی

ghfadaie@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۵/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۲۰

چکیده

کتابداری و اطلاع‌رسانی به فقر مبانی نظری مبتلا است. تنها تعویض نام مشکلی را حل نمی‌کند. در واقع، کتابداری نه به لحاظ نام شایسته این رشته است و نه به لحاظ محتوا مطابقتی با مفهوم آن دارد. اگر چه در دنیای غرب با گسترش موج جدید صنعتی و نیاز روز افزون پژوهشگران به یافتن دانش، کتابخانه‌ها به‌عنوان جایگاهی برای عرضه یافته‌های علمی دارای رونقی دوباره شدند، اما با ظهور فن‌آوری اطلاعاتی و قدرت اشاعه‌ی اطلاعات از طریق استفاده از ابزارهای جدید الکترونیکی و نوری این توجه و رونق دستخوش چالش گردید. تا جایی که ضرورت وجود کتابخانه به شکل سنتی آن مورد تردید قرار گرفت. این بی‌مهری در حالی صورت گرفت که زیربنای فن‌آوری جدید هم بر طبقه‌بندی استوار بود. نویسنده در این مقاله از شش جنبه حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی را بررسی و درباره‌ی آنها پیشنهادی ارائه می‌کند. این شش جنبه عبارتند از: اول خاستگاه مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوم جایگاه آن در درخت دانش، سوم تعریف جامع و مانع از این رشته، چهارم دامنه‌ی حضور و نفوذ این رشته، پنجم پیشنهاد نامی برای آن و سرانجام پیشنهاد نام‌هایی برای مشاغلی که این حوزه ملزم به تربیت افراد برای آن مشاغل است. روش پژوهش در این مطالعه استقراء، مطالعه‌ی تطبیقی و تا اندازه‌ای تحلیل محتوا است.

کلیدواژه‌ها: کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانش‌شناسی، طبقه‌بندی، فلسفه، فلسفه‌ی علم، هویت‌شناسی، ابهام در تعریف، بازیابی اطلاعات و دانش، فراعلم



آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

نیز ما پیوسته علم یا علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی را در کنار هم و با او عطف به کار می‌بریم؛ که در واقع یادآور اشارات کپلن است. کتابداری چیزی جز اطلاع‌رسانی نیست و عطف این دو به یکدیگر منطقی ندارد. از سوی دیگر، چون حوزه‌ی ما در حال تحول و دگردیسی از مرحله‌ای به مرحله‌ی دیگر است، شاید جمع این دو اصطلاح برای حفظ پیوند میان سنت پیشین و نو یافته‌های اخیر برای مدتی بی‌مناسبت نباشد. اما هرگاه این پیوند از نظر مفهومی استوار شد و بیم جدا و متفاوت انگاشتن سنت کهن از میان برخاست، دیگر به کار بردن مستمر آن دو اصطلاح به صورت معطوف در عناوین و اشارات موجه نخواهد بود.

او با آنکه کتابداری و اطلاع‌رسانی را از یک جنس و خمیره می‌داند در عین حال مشخص نمی‌کند که پس از از بین رفتن بیم مورد نظر چه عنوانی را باید برای این رشته به کار برد؟ کتابداری و یا اطلاع‌رسانی؟

آنچه قابل توجه است، این است که نام با تعریف ارتباط تنگاتنگی دارد. بدون تعریف دقیق و شفاف نمی‌توان نامی مناسب انتخاب کرد و نام مناسب هم باید از خصلت‌های ذاتی مسمما خبر دهد. در کتابداری به نظر می‌رسد هم مشکل تعریف وجود دارد و هم مشکل نام‌گذاری. این مسئله اگر چه در کشورها و ملیت‌های مختلف اندکی با هم فرق می‌کند ولی در مجموع مشکلی است که در همه‌ی کشورها دامن این حوزه را گرفته است. برای بحث در این مورد لازم است تا مقداری درباره‌ی تعریف (حد) و اسم و مسمما بحث شود.

تعریف (حد) و نام‌گذاری

دشواری تعریف و حد در نظر منطق‌دانان و فلاسفه دارای ابعاد گوناگونی است. عده‌ای آن را به تعریف حقیقی و مفهومی تقسیم می‌کنند. تعریف حد را به معنای حقیقی دشوار ولی به معنای مفهومی آن آسان دانسته‌اند. از افراد فراوانی که در این مورد کار کرده و نظر داده‌اند می‌توان از ابن سینا، ابوالبرکات بغدادی و شیخ اشراق نام برد که نظرات آنان به طور مختصر در این جا آورده می‌شود.

عسکری سلیمانی (۱۳۸۳) می‌گوید: در واقع اسم برای مسمائی است که از آن شناخت داریم. میزان شناخت ما از مسمما تشکیل دهنده‌ی حد مسمما است. هر مسمائی دارای صفاتی است که آن را از دیگر مسمیات جدا می‌کند. هر موجودی دارای صفات ذاتی و نیز عرضی است. صفات ذاتی آن است که بدون آن پدیده موجودیت خود را از دست می‌دهد. اما صفات عرضی

اگر چه گاه لازم است، ولی بدون آن هم می توان از پدیده یاد کرد. صفات ذاتی در برابر صفات عرضی است. همان طور که در تعریف از ذاتیات می توان استفاده کرد از عرضیات هم می توان استفاده کرد. مثل تعریف انسان به حیوان ناطق یا انسان به حیوان ضاحک، عرض یا لازم است یا مفارق و عرض لازم یا بین است و یا غیر بین؛ بین آن است که شیئی به صورت بدیهی و بی نیاز از استدلال معلوم باشد. در منطق گفته اند تعریف باید از عرض لازم بین تالیف شود. زیرا در غیر این صورت معرف را از ابهام بیرون نمی آورد.

ضابطه‌ی اسم و مسما نزد سهروردی و بغدادی

شیخ اشراق، سهروردی، در حکمه الاشراق (۱۳۷۷) می گوید:

باید تعریف به اموری روشن تر و شناخته تر از معرف باشد و روا نیست که معرف با معرف برابر باشد و نه پنهان و مخفی تر و نیز روا نباشد که معرف از چیزهایی بود که خود شناخته نشود مگر به آنکه معرف بدان شناخته شود (ص ۲۷).

او در نقد نظریه‌ی تعریف مشائی ضابطه‌ای برای اسم و مسما ارائه می دهد و می گوید (عسکری امیری، ۱۳۸۳):

در محسوسات هر گاه کسی برای جسم مثلاً چیزی را اثبات کند و بعضی در آن تشکیک کنند و بعضی انکار نمایند آن چیز در نزد عموم مردم از اجزای مفهومی مسما به حساب نمی آید، بلکه اسم جز برای مجموع لوازم تصور مسما وضع شده است. طبق این نظریه، می توان گفت: آب یعنی جسم روان بی رنگ و بو، بارد و بالطبع رافع تشنگی و... خصوصیات که در هر آبی ظاهر است و آب برای این خصوصیات وضع شده است.

صعوبت حد حقیقی و سهولت حد مفهومی

از نظر بغدادی - حد در منطق تفسیر لغات و تعریف معانی الفاظ است. در حالی که شیخ اشراق به دو نوع حد قائل است. حد مفهومی و حد حقیقی^۱. او وصول به حد حقیقی را دشوار

۱. مظفری (۱۳۶۱) گوید: تعریف به معنای شناساندن و در اصطلاح منطقی بر دو قسم است: حقیقی و لفظی. و هر یک بر دو قسم اند: تام و ناقص. تعریف لفظی که به آن شرح الاسم هم می گویند عبارت از بیان کردن لفظی که معنای آن نزد مخاطب مجهول است با لفظ دیگری که در نزد او معلوم است (ص ۳۶-۳۷). هم چنین وی (۱۳۶۱) ←

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

بلکه ممتنع می‌داند - اختلاف در این زمینه بین منطق‌دانان و فلاسفه بسیار است (فخر رازی، ۱۳۸۱؛ عسکری امیری، ۱۳۸۳). پس از شیخ‌الرئیس، بغدادی استدلال او را رد می‌کند و نظر شیخ را به نقد می‌کشد و سهولت حد را تجویز می‌کند. شیخ اشراق هم سهولت حد مفهومی را بر حد حقیقی ترجیح می‌دهد.

در نزد غزالی هم اول باید به تقرر معانی راه یافت، سپس الفاظ را تابع معانی نمود (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۵). او هم به صعوبت رسیدن به حد حقیقی معترف است.

در هر حال دو نظریه می‌پذیرند که نام‌گذارنده اسم را بر مسما به مقدار آگاهی‌های در نظر گرفته شده از مسما قرار می‌دهد (عسکری امیری، ۱۳۸۳). با این تفاوت که در نظر شیخ اشراق اسم بر مسما به میزان آگاهی که از مسما ظاهر است قرار داده می‌شود. از این رو اختلاف در اجزای یک شیء دلیل بر آن است که مورد اختلاف جزو مفهوم آن شیء به حساب نمی‌آید. اما بغدادی می‌گوید میزان آگاهی ممکن است برای مسما ظاهر و روشن باشد یا از راه کشف علمی معلوم شده باشد. از این رو بغدادی نتیجه می‌گیرد حدود به سبب اختلاف در آگاهی‌ها متفاوت می‌شوند. معانی بسیط برای وجودهای بسیط و معانی مرکب برای وجودهای مرکب. می‌توان فرض کرد نام‌گذاری کاملاً قراردادی است، به گونه‌ای که اسم به ازای ویژگی‌های در نظر گرفته شده ذکر می‌شوند.

بغدادی در خصوص اسم‌هایی که بیان وصف و حالتی هستند یعنی مشتق‌ها و مبداً اشتقاق‌شان و نیز اسم‌هایی که معنای مشتق می‌دهند می‌گوید: همان‌گونه که نام‌گذارنده آنچه را که می‌شناسد و از آن جهت که می‌شناسد نام می‌گذارد، حدآورنده نیز حد چیزی را که نام‌گذاری کرده و از آن جهتی که نام‌گذاری کرده است می‌آورد (عسکری امیری، ۱۳۸۳).

→ گوید: معرف بر دو قسم است: حد و رسم و هر یک نیز بر دو قسم است: تام و ناقص. اگر در تعریف فصل قریب اخذ شود آن را حد گویند و اگر خاصه اخذ شود آن را رسم گویند. اگر با فصل قریب جنس قریب هم اخذ شود آن را حد تام گویند مثل اینکه در تعریف انسان گفته شود حیوان ناطق. اگر با فصل قریب جنس بعید ذکر شود و یا فقط به فصل اکتفا شود آن را حد ناقص گویند مثل اینکه در تعریف انسان گفته شود جسم نامی ناطق و یا فقط ناطق. اگر با خاصه جنس قریب اخذ شود آن را رسم تام گویند مثلاً در تعریف انسان گفته شود حیوان ضاحک. و اگر با خاصه جنس بعید اخذ شود و یا فقط به خاصه اکتفا شود به آن رسم ناقص گویند مثل اینکه در تعریف انسان گفته شود جسم نامی ضاحک و یا فقط ضاحک. گاه تعریف به مثال باشد مثل اینکه گفته شود علم مثل نور است (ص ۱۴۷-۱۴۹).

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، این است که حد و اسم باهم ارتباط ناگسستنی دارند. ممکن است ما مواردی داشته باشیم که اسم هیچ گونه رابطه‌ای با مسما نداشته باشد، اما این موارد همواره کاربران را دچار گرفتاری می‌کند. علاوه بر اسم در القاب و کنیه‌ها هم این مسئله رعایت می‌شود. در مورد آدم‌ها، کنیه‌ها گاه به‌خاطر احترام و گاه به‌خاطر تحقیراند و این ربطی به ماهیت وجودی و عملکردی افراد که بخشی از تعریف واقعی آنان را تشکیل می‌دهد ندارد. عسکری امیری (۱۳۸۳) در مقاله‌ی خود نتیجه‌گیری می‌کند:

که نام‌گذاری اسم‌های عام بدون تصور مسما، هر چند به واسطه‌ی لوازم و آثار آنها، ممکن نیست. نام‌گذاری اسم بر مسما اگرچه منطقاً ممکن است به میزان معانی در نظر گرفته شده از مسما باشد و تعریف مسما نیز بر اساس آن تنظیم شود، اما مردم عملاً همه‌ی اسامی عام را بر این اساس بر مسما وضع نمی‌کنند. و نیز اطلاق و به‌کارگیری اسم بر مسما اگرچه ممکن است بر اساس نام‌گذاری و به‌میزانی که در نام‌گذاری در نظر گرفته باشند، ولی در خارج چنین نیست (ص ۱۱۰-۱۰۹).

در واقع، برای بحث درباره‌ی هر موضوعی شناخت و تعریفی از آن لازم است. حتی کسانی که تعریف ارسطویی را در زمان حال جوابگو نمی‌دانند هم بر ضرورت وجود تعریف برای مطالعه‌ی هر موضوعی اذعان دارند (یثربی، ۱۳۸۶). فرومان^۱ (۲۰۰۹) به سه ضرورت برای توجه به تعریف اشاره می‌کند. یکی ضرورت ابزاری برای استفاده‌ی کاری، دوم توجه به ویژگی‌های ذاتی شیئی برای تعریف براساس آنچه جان استوارت میل گفته است و سوم توجه به جنبه‌ی پراگماتیک و زبانی هر پدیده با توجه به آموزه‌های ویتگنشتاین. او به‌هر حال توجه دارد که در صورت نبودن "تعریف" ارتباطات انسانی به اغتشاش و درهم‌برهمی می‌گشود. اکنون در حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی سؤال این است که آیا تعریف کتابداری بر فرض وجود و اتفاق نظر بر آن از ذاتیات سخن می‌گوید و یا بر عرضیات و آن هم بر عرضیات بین و لازم دلالت دارد تا بر اساس آن بتوان نام درستی که بیانگر ویژگی‌های مسما است داشته باشد؟

در واقع، نام کتابداری و اطلاع‌رسانی هیچ یک بیانگر ذاتیات و یا به احتمال قوی

1. Bernd Frohmann

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

عرضیات^۱ این رشته نیستند. زیرا کتابداری اگر بر سیاق خانه‌داری و یا دهداری و یا شهرداری در نظر گرفته شود همانند همتایان خود نمی‌تواند بیان مقصود کند. خانه‌دار خانه با همهی خصوصیاتش در اختیار اوست و همین‌طور دهدار و شهردار در واقع، ده و شهر را در اختیار دارند. اما کتابدار فقط کتاب در اختیار او نیست، زیرا هر آدم باسوادى ممکن است کتاب در نزد او باشد و اگر مجموعه‌ی کتاب را هم در نظر بگیریم مخزن (انبار) دار کتاب و یا کتاب‌فروش هم کتاب در اختیار اوست و لفظ کتابدار نمی‌تواند در بین این مفاهیم مشترک مقصود اصلی که کتابداری مدعی آن است را برساند. اگر کتابداری را کتابدار به‌علاوه یای نسبت بگیریم باز همین مشکل وجود دارد، زیرا هنوز بر سر اینکه کتابدار چه کسی و یا چه وظیفه‌ای دارد تفاهم نشده است. در اطلاع‌رسانی هم مشکل وجود دارد و رساندن اطلاع با هر مفهومی که از اطلاع در نظر داشته باشیم نمی‌تواند بیانگر وظیفه‌ی اختصاصی این رشته باشد. مدعیان دیگری از جمله متخصصان مخابرات و ارتباطات و رایانه‌وران ممکن است مدعیان پر و پا قرص این مسئله باشند.

اگر گفته شود واضعان این نام بر حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی بدون در نظر گرفتن تناسب نام با تعریف به چنین امری اقدام کرده‌اند و هر کس می‌خواهد با این مسئله آشنا شود لازم است تعریف قراردادی پیشگامان این حوزه را بنگرد و بخواند و ربط آن را خود دریابد، تازه اول مسئله است و مشکل هم‌چنان بر جای خود باقی است.

بنابراین یا باید قائل به ربط نشد و صرف وجود لفظ کتاب در کتابداری، آن را بیانگر اهداف و وظایف این حوزه دانست و یا باید به فکر چاره بود و در این راه همت گماشت و از اقبال و یا ادبار هم نهراسید. در بسیاری از اوقات ممکن است در آغاز نامی ناآشنا و نامناسب جلوه کند ولی به مرور زمان و در نسل‌های بعد مورد توجه قرار گیرد.

با این مقدمه نگارنده بر آن است تا به‌طور مبنایی مسئله را بازکاوی کند و نه فقط نام بلکه محتوا و رسالت این حوزه را مورد بازبینی قرار دهد و پیشنهادهای خود را عرضه دارد.

هدف

هدف نگارنده در این مقاله این است که از شش جنبه حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی را

۱. بخشی از کار اطلاع‌رسانی یا مدیریت دانش اگر به کتاب و کتابخانه هم برگردد ظاهراً عرض قریب هم نیست.

بررسی و درباره‌ی آنها پیشنهادی ارائه کند. این شش جنبه عبارتند از: اول خاستگاه مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوم جایگاه آن در درخت دانش، سوم تعریف جامع و مانع از این رشته، چهارم دامنه‌ی حضور و نفوذ این رشته، پنجم پیشنهاد نامی برای آن و سرانجام پیشنهاد نام برای مشاغلی که این رشته عهده‌دار تربیت نیرو برای آن است. روش پژوهش در این مطالعه استقراء، مطالعه‌ی تطبیقی و تا اندازه‌ای تحلیل محتوا است.

۱. خاستگاه

در قسمت اول نگارنده معتقد است که مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی مولود کتابخانه نیست، بلکه بوجود آورنده‌ی آن است (فدائی، ۱۳۸۶). او این مطلب را به تفصیل در مقاله‌ی کتابداری در جست‌وجوی هویتی نو بیان کرده است. توضیح اینکه در اکثر منابع آمده است که علم و یا فن کتابداری مولود کتابخانه است (سینق^۱، ۱۳۷۳)^۲. به این معنی که پس از ظهور و حضور کتابخانه، کتابداری بوجود آمده است و همین‌طور اطلاع‌رسانی را مولود تحول صنعتی و الکترونیکی عصر حاضر می‌دانند. درحالی‌که اگر بدقت بنگریم این مفهوم کتابداری و اطلاع‌رسانی بوده است که موجب پدید آمدن کتابخانه شده و همین‌طور نیاز انسان به اطلاعات بوده است که باعث تحول شگرف در امر اطلاع‌رسانی گشته است. به تعبیر دیگر، انسان از آغاز زندگی خود می‌آموزد و به محض آموختن و کسب اطلاع، آن را در حافظه بایگانی می‌کند تا آن را بازبایی و از آن در جهت مصارف زندگی خویش استفاده نماید. علت اصلی اشکال به‌زعم نگارنده این است که در جهان ضرورت نیاز به دانش کتابداری را از ضرورت وجود کتابخانه وام گرفته‌اند. درحالی‌که کتابخانه خود حاصل و معلول نیازمندی انسان به بازبایی از طریق طبقه‌بندی دانش‌ها برای پیشرفت در امور است (فدائی، ۱۳۸۶). یعنی به‌جای اینکه نیاز انسان اعم از عادی و یا دانشمند به بازبایی و برای رسیدن به آن استفاده از طبقه‌بندی دانش مبنای پیدایش علم کتابداری و اطلاع‌رسانی باشد، ایجاد کتابخانه که خود معلول این نیاز است موجب پیدایش این علم تلقی شده است. به‌ناچار، گاه هم نام‌گذاری غلط از آب درآمده است و هم

1. Mohinder Singh

۲. در سرفصل‌های درس مبانی کتابداری مصوب شورای برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی اگر بنگرید کم‌تر اثری از مباحث بنیانی راجع به این حوزه می‌یابید. در آنجا عمدتاً به تاریخچه می‌پردازند که در درس‌های دیگر از جمله مقدمات کتابداری تدریس می‌شود.

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

عده‌ای در بیان هدف به بی‌راهه رفته‌اند و کتابداری را حرفه خوانده‌اند (راینسون^۱، ۲۰۰۹) و کارکرد آن را صرفاً خدمت به اجتماع دانسته‌اند که هدفی جز تأمین رضایت مراجعه‌کنندگان ندارد. در این هم ثابت قدم نمانده‌اند و به جای آنکه آن را در حوزه و زمره‌ی علوم اجتماعی بدانند گاه، آن را به علوم تربیتی، هنر، تاریخ، ادبیات و مانند آن متصل نموده‌اند.

گرفتاری‌های مفهومی موجود در کتابداری و اطلاع‌رسانی مربوط به زمان حال نیست. از آنجایی که گرفتاری آن ذاتی است سابقه موضوعات فوق در جهان و ایران طولانی است. بسیاری از متفکران داخلی و خارجی در این باره اظهار نظر کرده‌اند. متفکران این حوزه از طریق جست‌وجو در مفهوم اطلاع و اهمیت آن تلاش دارند تا تعریفی جدید برای این حوزه بیابند. مثلاً پیرس باتلر^۲، جس شرا^۳، مارگارت ایگان^۴، جان باد^۵، برند فرومان، مایکل باکلند^۶، رافائل کاپورو^۷ و لوجیانو فلورییدی^۸ در خارج از ایران در این باره مطالبی دارند (رهادوست، ۱۳۸۶؛ بهمن آبادی، ۱۳۸۱؛ خندان، ۱۳۸۶). در ایران جلال مساوات در این باره اظهار نظر کرده است. ابرامی هم تعبیر دانش‌شناسی را برای این حوزه پیشنهاد کرده است. تأسیس نشریه‌های جدیدی به نام اطلاع‌شناسی و یا دانش‌شناسی در کشور تلاشی در این باره است. نگارنده در مقاله‌ی قبلی خود که در سال گذشته در کنفرانس بین‌المللی "اطلاع‌رسانی و تکنولوژی اطلاعات" در وارنا، بلغارستان ارائه و در مجله‌ای به‌همین نام چاپ شد، نام دانش‌شناسی و اطلاع‌رسانی را برای این رشته پیشنهاد کرده بود. ولی در مقاله‌ای که در سال ۲۰۰۹ به کنفرانسی که در امریکا برگزار شد ارائه نمود و در شماره‌ی ۶ آن مجله^۹ چاپ شد آن را به علم (وفن) بازیابی اطلاعات تغییر و پیشنهاد داده است. اما نظر فعلی او قدری تغییر کرده و آن را به رشته‌ی علوم بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش (عباد) تغییر داده است.^{۱۰} در این تعریف کارکرد اصلی این حوزه بازیابی و اشاعه‌ی اطلاع و دانش معرفی شده است.

لازم به ذکر است که فرد شاپیرو (۱۳۷۸) در مقاله‌ای با عنوان «ابداع و تکامل اصطلاح علم اطلاع‌رسانی» مراحل تطور علم اطلاع‌رسانی را ذکر کرده است. راینسون (۲۰۰۹) از نام‌های

1. Lyn Robinson

2. Pierce Butler

3. Jesse Shera

4. Margaret Elizabeth Egan

5. John Budd

6. Michael Buckland

7. Rafael capurro

8. Luciano Floridi

9. Issues in Information Science and Information Technology

۱۰. معادل انگلیسی آن می‌شود:

Sciences of Retrieval and Dissemination of Information / Knowledge (SRDI/K)

گونگون برای این رشته مانند فراعلم^۱، میان علم^۲، علم پست مدرن، علم برتر^۳، علم بلاغی^۴، علم تحریر^۵ (نماد)، هنر آزاد^۶، و علم دانش^۷ و یا شاید دانش شناسی و مانند آن که هر یک توسط متفکری پیشنهاد شده است نام برده است.

اولین مفهوم کتابخانه به حافظه‌ی انسان و اولین مفهوم کتابداری به فرایند بیداد و بخاطر آوردن اندوخته‌های ذهنی برای استفاده از آن برمی گردد. اگرچه توجه به بازیابی در تعاریف فراوان آمده و یا مفهوم ذخیره و بازیابی با هم زیاد مطرح بوده است ولی با چنین تفصیلی شاید برای اولین بار مطرح می شود. بنابراین مبنای این تفکر به اصل معرفت و چگونگی شکل گیری و ضرورت ذخیره‌ی آن به منظور بازیابی و اشاعه برمی گردد و اینکه در این حالت این مفهوم در وهله‌ی اول ربطی به کتابخانه به معنای فیزیکی آن و یا تکنولوژی اطلاعات ندارد. در این تعریف کتابخانه به عنوان بزرگ ترین نماد این ضرورت و فن آوری ابزاری، برای هرچه بهتر انجام دادن این وظیفه مطرح می شود با این دیدگاه جایگاه کتابداری و اطلاع رسانی کاملاً عوض می شود و در درخت علم جایگاه آن در فراعلم^۸ و در کنار معرفت شناسی قرار می گیرد. به این معنی به محض اینکه انسان اطلاعی را کسب کرد در حفظ و بایگانی آن می کوشد و به نوعی آن را طبقه بندی می کند تا به هنگام ضرورت و لزوم آن را بازیابی کند و از آن استفاده نماید. در واقع اولین کتابخانه حافظه آدمی است. بر این نکته زینس (۲۰۰۷) هم اشاره دارد.

در شماره‌ی ۷۲ مجله‌ی فصلنامه‌ی کتاب که توسط کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران منتشر می شود، مقاله‌ای به نام "کتابداری و اطلاع رسانی در جست و جوی هویتی نو" و نیز سه مقاله‌ی انگلیسی که یکی از آنها در کنفرانس "علوم اطلاعات و علوم فن آوری" در ماه ژوئن ۲۰۰۹ در امریکا برگزار شده است، نگارنده به طور مبسوط پیشنهادهای خود را ارائه کرده است.

۲. جایگاه کتابداری و اطلاع رسانی در درخت علم

با توجه به این نظریه جایگاه حوزه‌ی کتابداری و اطلاع رسانی از وابستگی به بعضی

1. meta science

2. inter science

3. superior science

4. rhetorical science

5. nomad science

6. liberal art

7. knowledge science

۸. فراعلم در این جا هم به معنای علمی است که ورای همه‌ی علوم است و یا جنبه‌ی مقدماتی و ابزاری برای همه‌ی علوم دیگر دارد.

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

رشته‌ها آزاد می‌شود و همان‌طور که زینس هم در پژوهش‌های خویش به آن رسیده است در برترین جایگاه یعنی فراعلم قرار می‌گیرد. زیرا بر اساس این پیش‌فرض بازیابی اطلاعات و دانش دقیقاً در کنار معرفت‌شناسی^۱ و علم قرار دارد. انسان به‌محض فراگیری به‌فکر اندوخته کردن برای بازیابی و استفاده‌ی بهینه از آن می‌افتد^۲. زینس (۲۰۰۷) هم جایگاه علم اطلاع‌رسانی و نیز کتابداری را در درخت دانش در کنار معرفت‌شناسی و همتایان آن قرار داده است. شاید او هم معتقد است که اطلاع و دانش به قصد بازیابی آن اخذ و ذخیره می‌شود. در این صورت ما به‌محض معرفت نسبت به چیزی آن را ذخیره می‌کنیم تا بعداً بازیابی‌اش نماییم.

در این نظریه نگارنده مدعی است که در وضعیت فعلی مبنای تعریف این رشته از شروع کار کتابخانه است و به نظر وی از نقطه‌ی نامطلوبی آغاز شده است. به این معنی که کتابداری نوین از مغرب زمین آغاز شده و تعریف آن بر اثر فزونی گرفتن حجم کتاب و اسناد در کتابخانه‌ها که بعداً به انفجار اطلاعات تعبیر شد نشأت گرفته است. به دیگر سخن، کتابداری و اطلاع‌رسانی جدید مخلوق کتابخانه است. در حالی که نظریه پیشنهادی جدید تفکر کتابداری و اطلاع‌رسانی را ناشی از نیاز فطری انسان به بازیابی اطلاعات برای توسعه و پیشرفت در همه‌ی ابعاد زندگی می‌داند. در نتیجه کتابخانه نه تنها موجب رشته‌ی کتابداری نیست، بلکه مخلوق این نوع تفکر است و در واقع کتابخانه حاصل نیاز انسان به بازیابی اطلاعات است و به‌عنوان بزرگ‌ترین نماد این تفکر اصیل و فطری انسان تلقی می‌گردد. بنابراین وقتی روابط بین مفاهیم و موضوعات با تلاش پیگیر شفاف و پیراسته شود، کار اطلاع‌رسانی به مقدار وسیعی صورت گرفته است. مشکل بازیابی در جهان امروز همین مسئله است. و نیز همان‌طور که از نظر فلسفی هر علمی باید دارای مبانی، موضوع، مسائل و اهداف خاص باشد، با این پیشنهاد موضوع این علم یعنی بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش و مسائل آن عمده‌تاً بررسی روابط بین حوزه‌های مختلف دانش، خواه به‌صورت طولی و خواه به‌صورت عرضی از جمله طبقه‌بندی علوم است. مبانی معمولاً شامل گزاره‌هایی است توصیفی که بر پایه‌های هستی‌شناختی و یا معرفت‌شناختی و یا انسان‌شناختی استوار است. در این جا هم بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش به معرفت‌شناسی

۱. اصولاً معرفت تا به‌منظور بازیابی طبقه‌بندی نشود قابل تحلیل و اصلاً جزو معرفت قابل انتقال نیست.

۲. نگارنده در طرح طبقه‌بندی دودویی خود (طرح در دست اجرا) به تفصیل در این باره بحث کرده و جایگاه این حوزه را در کنار معرفت‌شناسی قرار داده است.

انسان و بازیابی برای توسعه و پیشرفت در زندگی برمی گردد. با این تعریف یکی از مهم ترین زمینه های ظهور و بروز این نیاز به ویژه در سطح علمی، کتابخانه است. اما اگر کتابخانه نباشد و یا به شکل مجازی باشد این علم هم چنان حضور خواهد داشت و به گسترش خود و خدمت به جویندگان دانش و پژوهندگان علم ادامه خواهد داد. البته برخی معتقدند که لازم نیست برای هر علمی موضوعی واحد فرض کنیم، بلکه همین که پاره ای از مسائل در هدف و غایت باهم مشترک باشند برای ایجاد یک حوزه ی علمی کافی است. بدین صورت که کتابداری و اطلاع رسانی هیئت از گزاره هایی است که غایت شان کمک به بازیابی اطلاعات و دانش توسط انسان است. البته خود بازیابی هم غایت کل نیست، بلکه غایت بازیابی پیشرفت و توسعه ی زندگی بشر است.

۳. تعریف

نقد سوم نگارنده به تعریف کتابداری و اطلاع رسانی در وضعیت موجود است که اگر مورد توافق قرار گیرد، می تواند به مقدار زیادی رفع ابهام کند. تعاریف موجود از آن در کتب معتبر و از جمله در اصطلاحنامه ی کتابداری و اطلاع رسانی به زبان فارسی و نیز لاتین نارسا است (سلطانی و راستین، ۱۳۶۵). متفکران در این حوزه همچون نیتکی و موکهرجی و مالتبی^۱ و رابین شاهدان اندکی بر این مدعا هستند. نگارنده معتقد است که تعریف او که به زبان فارسی و لاتین هم چاپ شده است جامع و مانع است و آن عبارت است از (فدائی، ۱۳۸۶):

کتابداری و اطلاع رسانی علم بازیابی و اشاعه ی اطلاعات و دانش است که از شناخت اجمالی و کلی دانش (طبقه بندی) و روابط طولی و عرضی اصطلاحات تخصصی در حوزه های مختلف با توجه به دقت و سرعت و صحت آن بحث می کند.

این تعریف با این کیفیت در جایی دیگر مطرح نشده و یا نگارنده آن را ندیده است. در دنیا از بازیابی و یا ذخیره و بازیابی بسیار سخن گفته شده ولی آن را در تعریف دقیق به این صورت به کار نبرده اند. آنچه می توان بر آن تأکید کرد، این است که در این نظریه کتابداری و اطلاع رسانی در ارتباط با کلیت فرایندهای معرفتی انسان دارای شأن مشخصی شده است و ریشه های اپیستمولوژیک و انتولوژیک (زینس، ۲۰۰۷) آن مورد اشاره قرار گرفته است.

1. Arthur Maltby

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

این تعریف با تعریف سالتون و مک گیل^۱، (ثورنلی و گیب^۲، ۲۰۰۹) هم‌خوانی دارد. آنها بازیابی اطلاعات را چنین تعریف می‌کنند:

بازیابی اطلاعات راجع به بازنمایی، ذخیره، سازماندهی، و دسترسی مواد اطلاعاتی سر و کار دارد.

۴. دامنه‌ی حضور

و اما در مورد دامنه‌ی حضور این رشته باید گفت که نفوذ این رشته بسیار فراتر از وضع فعلی است. کتابداری و اطلاع‌رسانی بر حسب طبیعت خود می‌تواند دست کم در دو حوزه‌ی دیگر دست داشته باشد. به تعبیر دیگر حضور این رشته در عالم نشر از یک طرف و در مدیریت دانش از طرف دیگر می‌تواند کارساز و اثربخش باشد. این نکته را نگارنده در مقاله‌ی خویش به‌طور مشروح بیان کرده است (فدائی، ۲۰۰۹). یورلند^۳ نیز در مقالات متعدد و به‌ویژه در تئوری مفهوم^۴ خود به این امر تصریح دارد (یورلند، ۲۰۰۹).

من با تعریف بورک^۵ (۲۰۰۹) که بازیابی اطلاعات را با اجرای کامل اطلاعات^۶ هماهنگ نمی‌داند موافق نیستم. به نظر می‌رسد وی بازیابی را صرفاً عمل می‌داند و اجرای کامل اطلاعات را از سازمانی می‌خواهد که در مقابلش کاربر است. اما معین نمی‌کند که مگر غیر از این است که سازمان با افراد متخصصی موجودیت می‌یابد که خود یا مستقیماً درگیر بازیابی اطلاعات برای کاربران هستند و یا سازمان را به نحو مطلوبی تغذیه می‌کنند تا کاربران به‌خوبی بتوانند به اطلاعات مورد نظرشان دست یابند. هم‌چنین اینکه زینس (۲۰۰۷) در مطالعه‌ی دلفی خود بیان می‌دارد، علم اطلاع‌رسانی با دو زیرمجموعه‌ی خود یعنی سازمان‌دهی دانش و مدیریت دانش تعارض دارد هم رفع می‌شود. زیرا در تعریف ما علوم بازیابی و اشاعه اطلاعات و دانش جامعیت لازم را برای پوشاندن دو زیرمجموعه‌ی فوق دارد.

۵. نام‌گذاری

همان‌طور که گفته شد کتابخانه موجد تفکر کتابداری و اطلاع‌رسانی نیست، بلکه مولود

1. Salton & McGill
4. concept theory

2. Thornley & Gibb
5 Burke

3. Højrlund
6. information fulfillment

این تفکر است (فدائی، ۱۳۸۶) و اینکه این تفکر نشان از نیاز ذاتی انسان به بازیابی اطلاعات و دانش برای گذران زندگی و پیش برد امور دارد. حافظه‌ی منظم انسان اولین شکل کتابخانه را تداعی می‌کند. به علاوه نگارنده اعتقاد دارد که این تفکر تا آنجا اهمیت دارد که در اجرا می‌تواند به حوزه‌ی نشر و نیز مدیریت دانش تسری پیدا کند. این حوزه با این تعریف همانند همه‌ی رشته‌های قدرتمند دیگر دارای موضوع، مبادی و مسائلی است که نگارنده در مقاله‌ها به توضیح آن پرداخته است. به طور خلاصه آنچه در این طرح آمده عبارت است از:

۱. تفکر کتابداری و اطلاع‌رسانی از نیاز فطری انسان به دانستن برای بهتر زیستن (توسعه و پیشرفت) نشأت می‌گیرد؛

۲. جایگاه آن در درخت علم در فراعلم است و در کنار معرفت‌شناسی قرار می‌گیرد؛

۳. دارای تعریف مشخص و منسجم و به تعبیر دیگر جامع و مانع است؛

۴. نامش متناسب با کارکرد آن است؛

۵. کتابخانه به هر شکل آن (سنتی، دیجیتال و هیبرید) نمونه‌ی برجسته از کارکرد آن است.

۶. تعریف آن با سایر رشته‌ها هم‌پوشانی ندارد.

از آنجا که قدما در تعریف هر حوزه‌ی علمی به مسائلی چون موضوع، مسائل و مبادی^۱

(سجادی، ۱۳۴۱) توجه داشته‌اند، نگارنده می‌پندارد که تمام این جنبه‌ها در تعریف جدید

(Fadaie, 2008) موجود است. بدین شرح:

عنوان و موضوع: بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش

مسائل:

- فراهم‌آوری منابع

- اقتصاد اطلاعات و دانش

- مدیریت اطلاعات و دانش

- طبقه‌بندی و سازماندهی اطلاعات و دانش (ذخیره)

۱. موضوع هر علم مشتمل بر بحث از اعراض ذاتی آن بود. و مبادی قضایایی بود که براهین آن علم مولف از آن قضایا باشد و به آن قضایا برهان نگویند یا از جهت وضوح و یا از جهت آنکه قضایا مسائل علمی دیگر بود عالتر یا نازلتر از آن در مرتبت. مسائل هر علمی عبارت است از مطالب و اموری که در هر علمی مورد بحث قرار گرفته و مبرهن شود و غرض از هر علمی شناختن آنها باشد و از این جا دانسته شود که مسائل هر علمی کسبی است.

این تفکر است (فدائی، ۱۳۸۶) و اینکه این تفکر نشان از نیاز ذاتی انسان به بازیابی اطلاعات و دانش برای گذران زندگی و پیش برد امور دارد. حافظه‌ی منظم انسان اولین شکل کتابخانه را تداعی می‌کند. به علاوه نگارنده اعتقاد دارد که این تفکر تا آنجا اهمیت دارد که در اجرا می‌تواند به حوزه‌ی نشر و نیز مدیریت دانش تسری پیدا کند. این حوزه با این تعریف همانند همه‌ی رشته‌های قدرتمند دیگر دارای موضوع، مبادی و مسائلی است که نگارنده در مقاله‌ها به توضیح آن پرداخته است. به طور خلاصه آنچه در این طرح آمده عبارت است از:

۱. تفکر کتابداری و اطلاع‌رسانی از نیاز فطری انسان به دانستن برای بهتر زیستن (توسعه و پیشرفت) نشأت می‌گیرد؛

۲. جایگاه آن در درخت علم در فراعلم است و در کنار معرفت‌شناسی قرار می‌گیرد؛

۳. دارای تعریف مشخص و منسجم و به تعبیر دیگر جامع و مانع است؛

۴. نامش متناسب با کارکرد آن است؛

۵. کتابخانه به هر شکل آن (سنتی، دیجیتال و هیبرید) نمونه‌ی برجسته از کارکرد آن است.

۶. تعریف آن با سایر رشته‌ها هم‌پوشانی ندارد.

از آنجا که قدما در تعریف هر حوزه‌ی علمی به مسائلی چون موضوع، مسائل و مبادی^۱

(سجادی، ۱۳۴۱) توجه داشته‌اند، نگارنده می‌پندارد که تمام این جنبه‌ها در تعریف جدید

(Fadaie, 2008) موجود است. بدین شرح:

عنوان و موضوع: بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش

مسائل:

- فراهم‌آوری منابع

- اقتصاد اطلاعات و دانش

- مدیریت اطلاعات و دانش

- طبقه‌بندی و سازماندهی اطلاعات و دانش (ذخیره)

۱. موضوع هر علم مشتمل بر بحث از اعراض ذاتی آن بود. و مبادی قضایایی بود که براهین آن علم مولف از آن قضایا باشد و به آن قضایا برهان نگویند یا از جهت وضوح و یا از جهت آنکه قضایا مسائل علمی دیگر بود عالتر یا نازلتر از آن در مرتبت. مسائل هر علمی عبارت است از مطالب و اموری که در هر علمی مورد بحث قرار گرفته و مبرهن شود و غرض از هر علمی شناختن آنها باشد و از این جا دانسته شود که مسائل هر علمی کسبی است.

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

- تداخل و ترابط علوم
- ربط در بازیابی اطلاعات و دانش
- رفتار اطلاعاتی پژوهندگان و داوطلبان اطلاعات و دانش
- روابط طولی و عرضی اصطلاحات و نقش آنها در بازیابی اطلاعات و دانش
- ساخت اصطلاحنامه‌ها (تراوس)
- زمینه و محیط تخصصی و ربط آن با بازیابی دانش و اطلاعات
- تأثیر فن‌آوری بر بازیابی اطلاعات و دانش و...
-

مبانی: مبانی کتابداری و اطلاع‌رسانی را با مفهوم و نام جدید می‌توان به صورت‌های زیر

بیان نمود:

- علمی است که از بازیابی اطلاعات و شیوه‌های آن بحث می‌کند.
 - علمی است که از ضرورت نیاز انسان به اطلاعات سخن می‌گوید.
 - علمی است که عهده‌دار اشاعه‌ی اطلاعات و دانش به افراد نیازمند است.
 - علمی است که برای بازیابی مناسب به سازماندهی دانش نیازمند است.
 - علمی است که برای بازیابی مناسب ناگزیر باید به شناسایی جامعه‌ی مخاطب و رفتار اطلاع‌یابی او پردازد.
 - علمی است که باید برای بازیابی مناسب به مدیریت اطلاعات و دانش پردازد.
 - علمی است که برای بازیابی مناسب باید به عالم نشر کمک کند و...
- با این ویژگی‌ها نام‌های پیشنهادی برای این رشته به شرح زیر است که دومین نام را نگارنده بیش‌تر می‌پسندد و آن را توصیه می‌کند.

نام‌های پیشنهادی برای کتابداری و اطلاع‌رسانی

- علم بازیابی اطلاعات و دانش (عباد)
- علوم بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش (عباد)
- مدیریت بازیابی اطلاعات و دانش
- علوم و فنون بازیابی اطلاعات و دانش

جالب است که در بین پاسخ‌های صاحب‌نظران به تعریف علم اطلاع‌رسانی در پژوهش دلفی زینس (۲۰۰۷)، فراوانی "بازیابی اطلاعات" حدود ۱۰ می‌باشد که حد متوسط و رقم خوبی در آن پژوهش است.

نگارنده معتقد است که اغلب مسائل این حوزه جنبه‌ی علمی دارد و از این‌رو آن را به علوم و نه فن تعبیر کرده است. این علوم با یازده رهیافت در حوزه‌ی تحلیل موضوعی رابینسون (۲۰۰۹) هم‌سازگار است. از جمله علمی که می‌تواند در زیرمجموعه‌ی علوم بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش مطرح شود بدین قرار است:

- مؤلف، نشر و تأثیر آنها در بازیابی اطلاعات (علم)
- تأثیر بازیابی اطلاعات بر مدیریت و تصمیم‌گیری (علم)
- مدیریت اطلاعات و دانش (علم)
- تجزیه و تحلیل نیازهای اجتماعی و فرهنگی (علم)
- نیازهای اطلاعاتی فرد و جامعه (علم)
- تحول در فرایند بازیابی (علم)
- اصطلاحنامه و اصطلاحنامه‌سازی (علم)
- دانش‌شناسی و بررسی روابط طولی و عرضی آنها (علم)
- اصول و فلسفه‌ی طبقه‌بندی علوم (علم)
- ترابط و تداخل علوم (علم)
- تبیین مفهوم ربط (علم)
- تبیین رفتارهای اطلاع‌یابی (علم)
- اقتصاد فرایند بازیابی (علم)
- مدیریت فرایند بازیابی (علم)
- کاربرمداری (علم)
- پژوهش و بازیابی اطلاعات (علم)
- اینترنت و بازیابی (علم)
- بازیابی کتاب (علم و فن)

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

- بازیابی مجلات و اسناد (فن)
- نمایه‌سازی و چکیده‌سازی (علم و فن)
- کتابخانه‌ها (سنتی و مجازی) و انواع آن (علم)
- اثربخشی در بازیابی (علم)
- معناشناسی (علم)
- علم‌سنجی، کتاب‌سنجی و مانند آن (علم و فن)
- فن‌آوری در اطلاعات (علم و فن)
- ویرایش و تصحیح (علم و فن)
- ...

۶. نام مشاغلی که این حوزه به تربیت افراد برای آن می‌پردازد

یکی از مسائل مبتلا به هر حوزه‌ی علمی توجه و تعریف مشاغلی است که باید افرادی را برای آن تربیت کند. تعریف هر یک از مشاغل بر عهده‌ی حوزه‌های تخصصی در وزارت کار و امور اجتماعی است، اما دانشگاه می‌تواند برای درجات تحصیلی نام‌هایی را پیشنهاد کند. از این رو و با توجه به تعاریف انجام شده نام‌های پیشنهادی به این قرار است:

برای فارغ‌التحصیلان دوره‌ی کارشناسی "کتابدار"^۱ و "اطلاع‌رسان"^۲. زیرا در این دوره بسته به علاقه‌ی افراد باید افرادی تربیت شوند تا در حوزه‌ی کتابخانه‌ها اعم از سنتی و مجازی بتوانند فعالیت کنند. آنهایی که بیش‌تر به کتاب و منابع مکتوب علاقمندند کتابدار و در مقابل آنهایی که بیش‌تر به امور الکترونیکی راغب‌اند اطلاع‌رسان نامیده می‌شوند.

برای دوره‌ی کارشناسی‌ارشد دو نام پیشنهاد می‌شود یکی "دانش‌یاب"^۳ و دیگری "دانش‌پرداز"^۴. در این جا هم بر حسب توانایی و علاقمندی افراد درس‌هایی باید ارائه شود تا افرادی بتوانند دانش‌یاب و یا دانش‌پرداز باشند. بدیهی است دانش‌یاب کسی است که عمدتاً به استخراج و بازیابی دانش و اطلاعات با استفاده از فنون مختلف اقدام کند. اما گروه دیگری می‌توانند تربیت شوند که به پردازش دانش اعم از خدمات مرجع و یا تهیه‌ی اطلاعات تخصصی در حوزه‌های مختلف توانا و توانمند باشند. پردازش اطلاعات و دانش از اهم مسائل تخصصی

1. Librarian

2. Informationist

3. Knowledge retriever

4. Knowledge processor

است که به جز تحصیل کنندگان در این رشته قادر به انجام موفق آن نیستند. نظام‌های خبره بخشی از این فعالیت را نشان می‌دهد. مؤسسات اطلاع‌رسانی موضوعی داوطلبان استخدام چنین نیروهایی هستند.

دانشجویان دکتری و پس از آن را می‌توان دانش گستران^۱ نامید. دانش گستران اشاره به اشاعه‌ی اطلاعات دارد که در تعریف حوزه آمده است هم‌چنان که بازیاب دانش نیز در تعریف آمده است. دانش‌پرداز اگرچه در نام رشته نیست ولی از آن‌جا که بازیابی بدون پردازش قبلی امکان ندارد و پردازش بعدی هم خواست کاربران است، لذا به‌طور ضمنی در تعریف و نام حوزه مستتر است. بدیهی است استادان این رشته متخصصان علوم بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش هستند.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان شد کتابداری و اطلاع‌رسانی صرفاً از نام رنج نمی‌برد، بلکه در تعریف هم مشکل داشته است (رابینسون، ۲۰۰۹) و باید در محتوای آن تجدید نظر نمود. نگارنده معتقد است که اگر مفهوم واقعی کتابداری و اطلاع‌رسانی بازنگری شود نه تنها مفهوم بسیار گسترده و عمیق و مرتبط با نیازهای فطری انسان برای زندگی و توسعه در همه‌ی ابعاد آن را دارا است، بلکه می‌تواند راهگشای بسیاری از امور دیگر باشد. به شرط آنکه ما از جزمی‌نگری و تبعیت صرف از دیگران که آن را تعریف کرده‌اند دست برداریم و شخصاً به مفهوم واقعی و مترقیانه کتابداری و اطلاع‌رسانی توجه کنیم. نگارنده معتقد است با مورد توجه قرار گرفتن تعریف جدید جایگاه کتابداری و اطلاع‌رسانی تقویت می‌شود و به‌جای آشفتگی در نسبت دادن به حوزه‌های خاص، خود حوزه‌ای مستقل می‌شود. این تعریف با حلقه‌ی اطلاعاتی که رابینسون (۲۰۰۹) مطرح کرده است هم سازگار است. او حلقه‌ی اطلاعات یا حلقه‌ی عمر اطلاعات را که از ۱۹۶۰ به بعد هم‌چنان مطرح بوده است را شامل خلق، اشاعه، سازماندهی، نمایه‌سازی، ذخیره و استفاده دانسته است. هم‌اکنون در سراسر دنیا رشته‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی در زیرمجموعه‌ی دانشکده‌ها و یا حوزه‌های علوم تربیتی، علوم اجتماعی، فلسفه، ادبیات، هنر، تاریخ و مانند آن جای گرفته است و این نشان از وابستگی و نداشتن هویت مستقل دارد که

1. Knowledge disseminator

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

مدعیان این رشته را آزار می‌دهد. در این نظریه جایگاه این حوزه به فراعلم ارتقا می‌یابد و در کنار حوزه‌ی معرفت‌شناسی قرار می‌گیرد. توضیح اینکه فراعلم فوق‌همه‌ی علوم است و در واقع همه‌ی علوم از این منظر به آن نیازمندند، می‌توان فراعلم را به‌عنوان پیش‌نیاز و یا مقدمه‌ی علوم دیگر هم در نظر گرفت و یا از جنبه‌ی ابزاری و آلی بودن به آن توجه کرد. البته فرقی نمی‌کند، مهم این است که هم مرتبط به همه‌ی علوم است و هم مقدم بر همه‌ی آنهاست. همانند معرفت می‌ماند که تا آن را ندانیم و به تحقق و کیفیت آن باور نداشته باشیم، همه‌ی تلاش‌های دیگر برای شناخت علوم بی‌فایده است. و این اختصاص به همه‌ی رشته‌ها دارد و برای رسیدن به مطلوب از همه‌ی حوزه‌های علمی دیگر هم استفاده می‌کند. و نیز همراه و یا هم‌عرض معرفت‌شناسی است که پایه و مایه‌ی همه‌ی علوم و دانش بشری است. به این معنا که به‌محض یادگیری و ذخیره‌ی اطلاعات و دانش مسئله‌ی بازیابی آن هم طرح می‌شود. به تعبیر روشن‌تر اگر طبقه‌بندی به‌منظور بازیابی مدنظر نباشد، اصلاً معرفت حاصل نمی‌شود. کلی که اساس معرفت‌شناسی است حاصل طبقه‌بندی بازیابی شده است.

یکی دیگر از نتایج این مقاله می‌تواند تغییر نام باشد که به‌ویژه در زبان فارسی از نظر جمعی مشکل‌آفرین شده است. زیرا اعتقاد بر این است که با آنکه نام کتاب و کتابخانه در فرهنگ ما بسیار مقدس است، اما نام کتابدار و کتابداری زیاد خوشایند نیست. تغییر نام به حوزه‌ی علوم (و فنون) بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش و یا ترکیب دیگری از این کلمات دقیقاً با کارکرد آن تطبیق دارد.

نکته مهم دیگری که باید اضافه کرد این است که در تعاریف فعلی هم‌پوشانی با سایر رشته‌ها وجود دارد. مثلاً اطلاع‌رسانی به لفظ عامی تبدیل شده است که هر کس مدعی آن است و این اصطلاح به وفور در سازمان‌های اداری مطرح می‌شود. قبلاً هم که نگارنده دانش‌شناسی را انتخاب کرده بود ملاحظه نمود که دانش‌شناسی به معنای دقیق کلمه کار متخصصان این حوزه نیست. زیرا شناخت عمیق همه‌ی دانش‌ها کار ممکن نیست و به‌ویژه از عهده‌ی متخصصان این رشته بر نمی‌آید. شناخت عمیق هر رشته به طور جداگانه هم به متخصصان آن رشته مربوط می‌شود. دانش‌آموختگان این حوزه با همه‌ی دانش‌ها در حد شناخت اجمالی از طریق بررسی روابط طولی و عرضی آن‌ها آشنایی و اشراف پیدا می‌کنند. هم‌چنین اگر از کلمه‌ی مدیریت در

نام این رشته استفاده شود، ممکن است مدعیانی داشته باشد. نگارنده با آنکه مدعی است که حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی صبغه مدیریتی دارد، اما برای حفظ استقلال آن از رشته‌های مدیریت محض، از کلمه‌ی مدیریت استفاده نکرد. ولی بدون شک یکی از مسائل مهم این حوزه مدیریت اطلاعات و دانش است که در زیر عنوان پیشنهادی می‌گنجد. بنابراین **علوم بازیابی و اشاعه‌ی اطلاعات و دانش (عباد)** به‌طور دقیق وظیفه‌ی اصلی این رشته است که هیچ گروه دیگر نمی‌تواند مدعی آن باشد.

درخاتمه نگارنده هم‌چنان که برای واژه‌ی بیگانه‌ی آرشیو، یادمانه و مشتقات آن را در کتاب مدیریت یادمانه‌ها (۱۳۸۴) مطرح کرده است، بنا به علاقه‌ای که به رشته‌ی خود داشته است نیز تلاش نموده تا پیشنهادهایی درخور و شایسته در این مورد ارائه کند. اما بدیهی است کاربرد این پیشنهادها بستگی به توجه همه‌ی علاقمندان به این حوزه دارد و در رأس آنها استادان محترمی که خود داعیه‌دار این مسئله‌اند. این بضاعت مزجاتی است که به جامعه‌ی کتابداران و اطلاع‌رسانان عرضه می‌شود تا چه قبول افتد و چه درنظر آید. در هر حال این مقاله حاوی پیشنهادهای گوناگون است که مخالفت با یکی نباید بر تأیید بقیه تأثیر بگذارد. از آقای محمد خندان دانشجوی دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران به‌خاطر یادآوری نکاتی سودمند سپاسگزاری می‌شود.

منابع و مآخذ

- ابرامی، هوشنگ (۱۳۸۷). *شناختی از دانش‌شناسی*. تهران: کتابدار.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۶۷). *منطق و معرفت در نظر غزالی*. تهران: امیرکبیر.
- بهمن‌آبادی، علیرضا (گردآورنده) (۱۳۸۱). *مبانی، تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی*. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- حری، عباس (۱۳۷۲). *مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی*. تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی.
- خندان، محمد (۱۳۸۶). *بررسی تطبیقی آراء لوچیانو فلوریدی و رافائل کاپورو در حوزه‌ی اطلاع‌شناسی و دلالت‌های آن در کتابداری و اطلاع‌رسانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران.

آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟

- رهادوست، فاطمه (۱۳۸۶). *فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی*. تهران: کتابدار.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۴۱). *فرهنگ اصطلاحات علوم عقلی*. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین (۱۳۶۵). *اصطلاحنامه کتابداری*. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- سلیمانی امیری، عسکری (۱۳۸۳). *صعوبت یا سهولت حد و رابطه آن با وضع اسما عام بر مسمما*. معرفت فلسفی. ۱(۴).
- سهروردی، یحیی بن حبش (۱۳۷۷). *حکمه الاشراق*. ترجمه و شرح جعفر سجادی. تهران: دانشگاه تهران.
- سینق، موهیندر (۱۳۷۳). *مدیریت کتابخانه و نظام اطلاع‌رسانی*. تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی.
- شاپیرو، فرد (۱۳۸۷). *ابداع و تکامل اصطلاح علم اطلاع‌رسانی، ترجمه علی مزینانی*. پیام کتابخانه، ۹ (۱)، ص ۶۵-۶۷.
- فخررازی، محمد بن عمر (۱۳۸۱). *منطق الماخص*. تقدیم، تحقیق و تعلیق احد فرامرز قراملکی و آدینه اصغری‌نژاد. تهران: دانشگاه امام صادق.
- فدائی، غلامرضا (۱۳۸۶). *کتابداری و اطلاع‌رسانی در جست وجوی هویتی نو*. فصلنامه کتاب. ۱۸ (۴)، ۱۷۵-۱۹۲.
- فدائی، غلامرضا (۱۳۸۴). *مدیریت یادمانه (آرشیو)*. تهران: دانشگاه تهران.
- مظفری، محمد (۱۳۶۱). *اصطلاحات منطقی*. قم: خیام.
- موکهرجی، ا.ک. (۱۳۶۸). *تاریخ و فلسفه کتابداری*. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: آستان قدس رضوی.

یثربی، یحیی (۱۳۸۶). *تحلیل انتقادی تاریخ فلسفه اسلامی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Burke, Maria, E (2009). The Exploration of Relationships between Information Fulfillment and Organizational Design. *Journal of Documentation*, 65 (4).

Fadaie, Gholamreza (2008a). In Search of New Identity for LIS Discipline, with Some Reference to Iran. *Issues in Information Science and Information Technology*, 5.

Fadaie, Gholamreza (2008b). The Influence of Classification on Worldview and Epistemology. in *Proceedings of the Informing Science & IT Education Conference (InSITE) 2008*.

Fadaie, Gholamreza (2009). LIS Discipline or Information Retrieval. *Issues in Information Science and Information Technology*, 6.

- Frohmann, Bernd (2009). Revisiting "What is a Document?". *Journal of Documentation*, 65 (2).
- Hojrland, Birgir (2009). Concept theory. *JASIST*, 60 (8).
- Robinson, Lyn (2009). Information Science: Communication Chain and Domain Analysis. *Journal of Documentation*, 65 (4).
- Thornley, Clare; Gibb, Forbes (2009). Meaning in Philosophy and Meaning in Information Retrieval (IR). *Journal of Documentation*, 65 (1).
- Zins, Chaim (2007). Knowledge map of information science. *JASIST*, 58 (4).
- Zins, Chaim (2007a). Conceptual Approaches for Defining Data, Information and Knowledge. *JASIST*, 58 (4).

به این مقاله این گونه استناد کنید:

فدایی، غلامرضا، (۱۳۸۸). آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط منتظر تغییر نام است؟. *پیام کتابخانه*، ۱۵ (۲)، ۱۱-۳۲.